

ارتجاع حاکم و حقوق بنیادین کار

این بحث ها با خواست اجرای قانون برنامه چهارم توسعه ابعاد گسترده ای به خود گرفت و اینک تحت عنوان ضرورت گفتن جدید عرصه کار و توسعه به یکی از موضوعات مورد مناقشه در طیف های گوناگون حاکمیت بدل شده است. خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در سلسله مقالاتی با عنوان "حقوق کارگران در محاق" به این بحث ها پرداخته و با انتقاد از دولت احمدی نژاد، تهیه و ارایه

همزمان با بحث های مربوط به سیاست اقتصادی رژیم ولایت فقیه، خصوصا برنامه تحول اقتصادی، گفتگوهای دامنه داری پیرامون چگونگی برخورد با مسایل سیاسی و صنفی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در محافل مختلف درون حاکمیت جریان دارد و بسیاری از مطبوعات، خبرگزاری ها و تارنگاشت های داخل کشور با بازتاب این بحث ها به موضعگیری درقبال آن مشغول هستند.



شماره ۸۰۰، دوره هشتم
سال بیست و سوم ۵ مهرماه ۱۳۸۷

ادامه در صفحه ۲

بیانیه مشترک احزاب و سازمان های ترقی خواه جهان در مخالفت با یک جنگ آمریکائی دیگر و در حمایت از صلح و دموکراسی در ایران
در ص ۳

خستگی ناپذیر در سنگر دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصت و هفتمین سالگرد تأسیس حزب در اهتزاز باد پرچم حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و زحمتکشان میهن؛ حزب مبارزان راه آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی!



هشتصدمین شماره دوره هشتم نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران اینک پیش روی شماست، به رغم اوضاع نامساعد و دشواری های پر مخاطره و دستبردهای ارتجاع، نامه مردم ارگان مرکزی حزب به انتشار مداوم



هم میهنان گرامی! دهم مهرماه امسال مصادف با شصت و هفتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان و محرومان میهن ماست. تاریخ شصت و هفت ساله حزب ما تاریخ پر فراز و نشیب نبرد خستگی ناپذیر در راه تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و تاریخ حیات نسل هایی از مبارزان راه آزادی است که برای رهایی میهن از بندهای استعمار و استبداد از هیچ فداکاری دریغ نوزیدند. شصت و هفت سال پیش، در حالی که جنگ دوم جهانی دنیا را به آتش کشیده بود و کشورهای منطقه خاورمیانه، از جمله ایران، در زیر یوغ استعمار و استبداد محلی اسیر بودند، حزب توده ایران، به همت زندانیان سیاسی آزاد شده از زندان های دیکتاتوری رضا خان، با هدف رهایی طبقه کارگر و تحقق خواست های زحمتکشان و محرومان و همچنین تغییر بنیادین جامعه اسیر عقب ماندگی پا به عرصه حیات گذاشت و زمینه ساز تغییرات مهمی در کشور ما شد. پیدایش فعالیت سازمان یافته سیاسی به شیوه مدرن آن در جامعه ما با حیات حزب توده ایران و فعالیت های آن گره خورده است. فعالیت های روشنگرانه، ادبی و

فرهنگی توده ای ها و همچنین سازمان دهی نیروهای اجتماعی و مبارزه صنفی کارگران، جوانان و دانشجویان و زنان تحول اجتماعی شگرفی را در میهن ما پدید آورد. امپریالیسم و ارتجاع هراسناک از تأثیر فعالیت های توده ای ها از همان سال های نخست توطئه های پی در پی ای را برای ریشه کنی حزب از جامعه ما سازمان دهی کردند. ایجاد اتحادیه ها و سندیکاها، کارگری، سازمان دهی کشاورزان کشور، و ایجاد نخستین اتحادیه سراسری متحد کارگران و زحمتکشان کشور، ایجاد سازمان های صنفی جوانان و دانشجویان و ایجاد انجمن های صنفی زنان از جمله دست آوردهای فعالیت توده ای در میهن

ادامه در صفحه ۷

در این شماره

- مارکسیسم-لنینیسم یا تروتسکیسم در ص ۷۶
- مراسم گرامیداشت جان باختگان فاجعه ملی در لندن در ص ۸
- «نامه مردم» در فستیوال اومانیته در ص ۱۰
- سیاستمداران کنونی توان مقابله با بحرانی در این مقیاس را ندارند در ص ۱۲

ادامه در صفحه ۹

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

ادامه ارتجاع حاکم و ...

برنامه ملی توسعه - کارشایسته - را طرح و خواهان پیگیری آن از سوی انجمن های اسلامی و شوراهای اسلامی کار و نیز مجلس هشتم گردیده است. برپایه موضع گیری های خبرگزاری ایلنا سند ملی توسعه یا کارشایسته که از محورهای عمده برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز بیست ساله است، از حمایت و پشتیبانی ولی فقیه برخوردار بوده و توجه به توصیه های خامنه ای به عنوان ولی فقیه و رهبر نظام، راهگشای حل معضلات کارگران و زحمتکشان کشور قلمداد می شود.

ایلنا در گزارشی به تاریخ ۲۰ شهریور ماه سال جاری در گزارشی با نام "گذشت سه سال از تکلیف دولت برای ارایه سند کار شایسته، توصیه های مقام معظم رهبری راهگشای حل معضلات کارگران است" از جمله با صراحت نوشت: "هر چند در ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت مکلف شده بود برنامه ملی توسعه (کار شایسته) را به عنوان گفتمان جدید عرصه کار و توسعه، براساس راهبرد سه جانبه گرای که متضمن عزت نفس، برابری فرصت ها، آزادی و امنیت نیروی کار همراه با صیانت لازم باشد تا پایان سال اول برنامه چهارم توسعه (سال ۸۴) اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تقدیم مجلس شورای اسلامی بنماید، اما با وجود آنکه ۳ سال از پایان این مهلت قانونی می گذرد، هنوز اراده ای برای اجرای این ماده قانونی از سوی دولت به چشم نمی خورد، کارشناسان و فعالان کارگری (انجمن اسلامی، شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر) اعتقاد دارند که اجرای این ماده معطله قانونی، می تواند مشکل گشای بسیاری از معضلات کارگران در مسایلی چون دستمزد، ایجاد تشکل های صنفی، بیمه اجتماعی و ... باشد. در همین زمینه نگاهی به فرازهایی از فرمایشات مقام معظم رهبری در جمع کارگران در سال ۸۷، می تواند مشخص کند که نگاه معظم له به کار شایسته، همانگونه است که در ماده ۱۰۱ برنامه چهارم توسعه برای حل مشکلات کارگران پیشنهاد شده بود."

حال ببینیم سخنان و دیدگاه خامنه ای چیست و چرا باید به ضم محافلی در حاکمیت بعنوان سنگ پایه تهیه و تصویب ماده ۱۰۱ قانون برنامه توسعه چهارم برای برنامه ملی توسعه یا کارشایسته قرار گیرد و مشکلات و مسایل مربوط به کار و زندگی زحمتکشان را حل کند؟! از جمله سخنان ولی فقیه و یا به اصطلاح توصیه های او چنین است: "ملت ایران باید قدر جامعه کارگری خود را بداند، این عنوان کارگر شامل همه کسانی است که دارند کار می کنند برای پیشرفت کشور، برای توسعه تولید در کشور، برای بهبود وضع کار در کشور، این یک مطلب، که راجع به اهمیت کار و کرامت کارگر است، خود عناصر اصلی دولت به معنای حقیقی کلمه، کارگری می کنند، دایم مشغولند، کار می کنند و تحرک نشان می دهند، کارهای پراهمیت، کارهای پرارزش. یکی از این وظایف همین است که مشکلات جامعه کارگری کشور را جستجو کنند و آنها را برطرف کنند... رونق دادن به اشتغال و تشویق کارآفرینان... در جمهوری اسلامی بنگاه های اشتغال و کارآفرینی یک بازوست، وجود نیروی کار یک بازروی دیگر است، اینها باید هردو باشند و همکاری کنند نقش دولت، ایجاد یک خط عادلانه برای این همکاری است، ظلم نشود ... هیچکدام به حقوق یکدیگر تعرض نکنند، اگر اینجوری باشد، آن وقت جامعه با سلامت و صفا پیش خواهد رفت..."

بنابراین روشن است مقصود ولی فقیه تحت عنوان خط عادلانه برای همکاری کارفرمایان و کارگران چه می تواند باشد.

ماده ۱۰۱ قانون برنامه چهارم توسعه که دولت را مکلف می سازد برنامه ملی توسعه کارشایسته را به عنوان گفتمان جدید عرصه کار و توسعه تدوین و به مجلس ارایه کند، جدای از دیگر مواد و قوانین برنامه چهارم و سند چشم انداز بیست ساله نیست که اجرای آنها زمینه های تعامل رژیم ولایت فقیه با "بازارهای جهانی" را فراهم می سازد و امکان پیوستن به سازمان تجارت جهانی را هموارتر می نماید. این برنامه در عین حال بخشی از همان سیاست شناخته شده اصلاح ساختار اقتصادی است که تامین امنیت سرمایه و اصلاح قانون کار به سود کارفرمایان و کلان سرمایه داران در سرلوحه آن قرار داشته و از نسخه های اصلی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای اقتصاد ایران قلمداد می شود.

بطور مثال خبرگزاری ایلنا ۱۹ شهریور ماه امسال در گزارشی پیرامون برنامه ملی توسعه، سند کارشایسته را اینگونه معرفی می سازد: "اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات تامین اجتماعی و روابط کار، تغییر در قوانین تامین اجتماعی و روابط کار (بخوان اصلاح قانون کار) براساس ساز و کار سه جانبه گرایی، به منظور تعامل و انعطاف بیشتر در بازار کار، اصلاح قوانین و مقررات در جهت انطباق قوانین و مقررات ملی با استانداردهای بین المللی، تحولات جهانی کار و اتخاذ تدابیر لازم برای اعزام نیروی کار به خارج کشور..."

به همین جهت بزرگ نمایی این سند یا برنامه ملی توسعه تحت این عنوان که سند مذکور با توصیه های ولی فقیه راهگشای حل معضلات کارگران است، بی پایه بوده و صرفاً هدف

های سیاسی معینی را دنبال می کند.

طبقه کارگر و فعالان سندیکایی می توانند از این یا آن ماده و تبصره به سود منافع بلند مدت و کوتاه مدت صنفی - رفاهی زحمتکشان ماهرانه استفاده کنند و این امر به معنای به فراموشی سپردن جهت عمده و مضمون واقعی قوانین و برنامه های رژیم ولایت فقیه نبوده و نمی تواند باشد.

جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان میهن ما به درستی ضمن استفاده ماهرانه از روزنه های موجود و مانور هوشیارانه در فضای کنونی، خواستار رعایت و اجرای منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوبه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و پذیرش مقوله نامه های معتبر بین المللی مانند مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار است.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان به حق خواستار تشکیل سندیکاهای خود هستند بی آنکه دولت های جمهوری اسلامی در این مورد به مداخله بپردازند، زیرا منشور جهانی حقوق سندیکایی تصریح می کند: "کارگران حق دارند سندیکاهای کارگری تشکیل دهند، به سندیکاهای موجود بپیوندند و بی آن که اجازه یا نظارت مقامات دولتی یا کارفرمایان لازم باشد، در هر فعالیت سندیکایی شرکت کنند."

به علاوه در منشور جهانی حقوق سندیکایی مصوبه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری با صراحت قید شده: "کارفرمایان یا مقامات دولتی تحت هیچ شرایطی حق ندارند فعالیت های سندیکایی کارگران یا آرا و اعتقادات شخصی آنان را به عنون دستاویزی برای تبعیض در استخدام، شرایط استخدام و دستمزد به کارگیرند، یا آن را وسیله اخراج یا اعمال جریمه بکار برند."

در خصوص آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری نیز در منشور تاکید گردیده: "اعضای سندیکاهای، اساسنامه و آیین نامه های مربوط به سندیکاهای و چگونگی و حدود فعالیت آن ها را باید خود آزادانه تدوین کنند و بدون هیچگونه محدودیت، رهبران و مسئولین سندیکاهای خود را برگزینند."

سازمان های سندیکایی کارگری حق دارند به دور از مزاحمت یا دخالت مقامات دولتی یا کارفرمایان براساس اساسنامه و آیین نامه خود عمل کنند."

این اصول سنگ بنای اصلی فعالیت جنبش سندیکایی واقعا مستقل در اوضاع کنونی است و تامین حقوق و منافع زحمتکشان و حقوق بنیادین کار از این رهگذر امکان پذیر است!

**آزادی برای همه
زندانیان سیاسی
ایران!**

بیانیه مشترک احزاب و سازمان های ترقی خواه جهان در مخالفت با یک جنگ آمریکائی دیگر و در حمایت از صلح و دموکراسی در ایران

به ابتکار حزب توده ایران بیانیه مهم زیر مورد تأیید ۵۰ حزب کارگری و سازمان های ترقی خواه جهان قرار گرفت

ما احزاب و سازمان های امضاء کننده، نگرانی عمیق خود را در رابطه با ادامه جو تنش در منطقه خلیج فارس که ناشی از موضع نظامی گرایانه و برتری طلبانه ایالات متحده در اختلافاتش با ایران است، اعلام می کنیم. گزارش های اخیر در رابطه با مانور نظامی نیروی هوایی اسرائیل و طرح های سری و مخفیانه برای حمله به اهداف استراتژیک در ایران نمی تواند نگرانی نیروهای مترقی و دموکراتیک جهان را بر نیانگیزد. سیاست ایالات متحده در رابطه با ایران بخشی از طرح ایالات متحده برای تمامی خاورمیانه است و هدف آن کسب برتری ایالات متحده بر روی منابع عظیم انرژی منطقه است. رژیم تئوکراتیک در ایران از وضعیت موجود برای گسترش سرکوب نیروهای مترقی، اتحادیه های کارگری، جنبش های زنان و جوانان و دانشجویان بهره می گیرد. این جنبش ها، گردان های اساسی جنبش صلح نضج گیرنده در ایران هستند. ما با نگرانی اخبار در مورد وخیم تر شدن وضع حقوق بشر در ایران در ماه های اخیر را دریافت کرده ایم. ما در هفته های اخیر گزارش هایی در مورد تهاجم های جدید به فعالان جنبش زنان دریافت کرده ایم. ما مخالفت کامل خود با هرگونه حمله نظامی به ایران توسط ایالات متحده، اتحادیه اروپا و یا اسرائیل را ابراز می داریم. سمت و سوی تحولات آینده ایران باید توسط خود مردم ایران تعیین شود.

* ما خواستار محو هرگونه سلاح های هسته ای در خاورمیانه و دیگر مناطق جهان، و اجرای کامل مفاد موافقتنامه عدم گسترش سلاح های هسته ای، و اعلام خاورمیانه به عنوان یک منطقه عاری از سلاح های هسته ای هستیم. * ما از تمامی کوشش های واقعی به منظور حل اختلافات کنونی مابین ایران و ایالات متحده از طریق صلح آمیز و دیپلماتیک می باشیم. * ما همبستگی خود با مبارزه مردم ایران برای صلح، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی را اعلام می داریم.

احزاب امضاء کننده:

۱. حزب توده ایران
۲. حزب زحمتکشان مترقی قبرس - (آکل)
۳. حزب کمونیست پرتغال
۴. حزب کمونیست آلمان
۵. حزب کمونیست رفونداسیون ایتالیا
۶. حزب کمونیست های ایتالیا
۷. حزب کمونیست اسپانیا
۸. حزب کمونیست خلق های اسپانیا
۹. حزب کمونیست کاتالونیا
۱۰. حزب کارگران بلژیک
۱۱. حزب کار سوتیس
۱۲. حزب کمونیست سوئد
۱۳. حزب کمونیست فرانسه
۱۴. حزب کمونیست یونان
۱۵. حزب کمونیست ترکیه
۱۶. حزب کمونیست نوین هلند
۱۷. حزب کمونیست ایرلند
۱۸. حزب کارگران ایرلند
۱۹. حزب کمونیست بوهوم و موراوی
۲۰. حزب کمونیست کارگری مجارستان
۲۱. حزب کمونیست بریتانیا
۲۲. سازمان جوانان کمونیست انگلستان
۲۳. حزب کمونیست ایالات متحده
۲۴. حزب کمونیست کانادا
۲۵. حزب کمونیست اورگوئه
۲۶. حزب کار برزیل
۲۷. حزب کمونیست ونزوئلا
۲۸. حزب کمونیست کلمبیا

۲۹. حزب کمونیست پرو
۳۰. حزب کمونیست بولیوی
۳۱. حزب کمونیست شیلی
۳۲. حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۳۳. حزب کمونیست سودان
۳۴. حزب کمونیست چاد
۳۵. حزب استقلال کار سنگال
۳۶. حزب آفریقائی برای استقلال گینه بیسائو- خلیج عاج
۳۷. جنبش برای استقلال، بازسازی و یکپارچگی آفریقا- مالی
۳۸. حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
۳۹. حزب پیشرفت و سوسیالیسم مراکش
۴۰. حزب کمونیست ریونیون
۴۱. حزب کمونیست اردن
۴۲. حزب کمونیست سوریه
۴۳. حزب مردم فلسطین
۴۴. جبهه خلق برای آزادی فلسطین
۴۵. حزب کمونیست اسرائیل
۴۶. حزب کمونیست عراق
۴۷. حزب کمونیست هند
۴۸. حزب کمونیست هند (مارکسیست)
۴۹. تریبون کارگران لهستان
۵۰. کنفدراسیون دهقانان بورکینه بیسائو

از انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران حمایت کنیم!

چندی پیش، رییس انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران، خواستار توجه و رسیدگی مستولان جمهوری اسلامی به حقوق و منافع معلولان کشور شده و تاکید کرد بسیاری از امکانات به حق و قانونی این دسته از هم میهنان ما توسط دوایر حکومتی و شرکت های نیمه دولتی که توسط آقازاده ها و یا وابستگان سپاه پاسداران اداره می شوند، در بازار آزاد به فروش می رسند.

رییس انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران در گفت و گو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) ۱۹ شهریور ماه از جمله یادآور شد: "در دیدار با وزیر رفاه، انتقادات خود را از پرداخت هزینه های سنگین کار درمانی و گفتار درمانی توسط معلولان و خانواده های آن ها مطرح کردم، همچنین به فروش امکانات قانونی معلولان اعتراض کرده و خواستار جلوگیری از این نوع اقدامات شدم، تاکنون ۶ تا ۷ دستگاه از خودروهای متعلق به معلولان که با هزینه بیت المال برای آنها خریداری و یا وقف شده بود، در بازار آزاد فروخته شده و مابقی نیز در حال فروش است."

علاوه بر این انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران خواستار به رسمیت شناخته شدن حق استخدام معلولان در مراکز اپراتوری و نظایر آن گردیده، این انجمن در خصوص این خواست که مطابق قوانین کشوری نیز است، تصریح کرده است: "بنابه پیشنهاد انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران مقرر شد، در جلسه هیات دولت، الزام استخدام نابینایان در مراکز ۱۱۸ کشور و مراکز اپراتوری برای اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولان ایران مطرح شود، براساس این قانون، ۶۰ درصد اپراتورهای کشور باید در دست معلولان باشد، همچنین وزیر رفاه تاکنون با پیشنهاد چاپ یک صفحه از روزنامه خورشید به خط بریل مخالفت نکرده است."

در کنار این مسایل، انجمن دفاع از حقوق معلولان ایران دو خواسته اساسی را مطرح و خواستار پشتیبانی از آن گردیده، این دو مورد مهم و اساسی عبارتند از: اول، جلوگیری از کاهش بودجه معلولان از محل بند ب تبصره ۱۵ قانون بودجه و ثابت ماندن هزینه بیمه مکمل معلولان، دوم، معافیت مالیاتی معلولان از حقوق و دستمزد و نیز بازتنستگی پیش از موعد معلولان.

در سال های اخیر با وجود افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش و صدور نفت، بودجه معلولان کشور کاهش جدی یافته و بسیاری از حقوق آنان توسط دولت ضد ملی احمدی نژاد نادیده گرفته شده است. معلولان به عنوان بخشی از جامعه از حقوق و مزایای قانونی و به حقی برخوردار هستند و باید این حقوق به رسمیت شناخته شده و اکیدا رعایت گردد!



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

دانشجویان مردمی و چپ در دادگاه به دفاع از خود پرداخت و کلیه اعترافات خود را در جریان بازجویی، به دلیل فشارهای شدید روحی و روانی در زمان زندان ارزیابی کرده و آنها را ساختگی خواند. تعویق زمان برخی دادگاه‌های دانشجویان چپ، عمدی است و هدف از آن اعمال فشار بیشتر به این جوانان مردمی و صلح دوست است.

ارگان‌های قضایی در هماهنگی با نهادهای امنیتی می‌کوشند با چنین اقداماتی جنبش مردمی و گردان‌های مختلف آن را مهار کرده و در موضع تدافعی قرار دهند.

اعمال فشار به زنان مبارز، دانشجویان، کارگران و فرهنگیان از جمله دستگیری جمعی فعالان تشکل‌های صنفی فرهنگیان همگی حلقه‌های به هم پیوسته سیاست ارتجاع حاکم برای خنثی کردن نقش جنبش مردمی در اوضاع حساس کنونی است، این سیاست در ماه‌های آینده ابعاد باز هم وسیع‌تری به خود خواهد گرفت.

اعمال فشار به فعالان حقوق خلق‌ها را محکوم می‌کنیم!

اعتصاب غذای گروهی از زندانیان سیاسی کردستان ایران در اعتراض به وضعیت ناگوار و سخت بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها، عدم رسیدگی عادلانه به پرونده‌هایشان، صدور احکام سنگین و زندان‌های طولانی و اعدام، بازتاب گسترده‌ای در میان احزاب و سازمان‌ها و نیروهای مترقی و میهن دوست کشور داشت.

چندی است رژیم ولایت فقیه بردارنده فشارهای خود بر فعالان حقوق خلق‌های ساکن ایران و اقلیت‌های ملی و مذهبی افزوده است. بازداشت و پیگرد گروهی از هم‌میهن‌بهای صرفاً به علت تفاوت مذهبی، تخریب اماکن مذهبی هم‌میهن‌ان اهل تسنن، اعمال فشارهای آشکار و پنهان به هم‌میهن‌ان زردشتی و مسیحی و کیمیی در کنار بازداشت‌های هدفمند در برخی مناطق و استان‌های کشور نظیر کردستان و آذربایجان شرقی و غربی وضعیت حساس و نگران‌کننده‌ای را پدید آورده است. تشدید فشار به فعالان و مبارزان سیاسی مدافع رفع ستم ملی، مانند آنچه اخیراً در کردستان شاهد آن هستیم، بخشی از سیاست رسمی ارتجاع حاکم است که متناسب با اوضاع به اجرا درآمده و هدف آن تضعیف پیوند جنبش‌های ملی با جنبش سراسری دموکراتیک و آزادیخواهانه کشور است.

ایراد اتهامات سنگین و ساختگی به مبارزان راه‌گای ستم ملی و برابری همه خلق‌های ساکن ایران دقیقاً با چنین منظوری انجام می‌گیرد، برای رژیم سرکوبگر ولایت فقیه تقویت وحدت و یکپارچگی ملی از طریق تامین حقوق برابر برای همه‌ی خلق‌های ساکن ایران معنا و مفهومی ندارد و ارتجاع حاکم به منظور تحکیم وضعیت متزلزل خویش از تضعیف پیوندهای تاریخی-فرهنگی خلق‌ها ابایی نداشته و حاضر به قربانی کردن منافع کشور برای حفظ بقاء خود است.

سیاست سرکوب و فشار سیستماتیک به اقلیت‌های مذهبی و خلق‌های کشور، جزء جدایی‌ناپذیر سیاست مرتجعان حاکم در مقابله با جنبش مردمی سراسری است و نباید این دو را از هم جدا دانست. حزب ما، ضمن حمایت از اعتصاب غذای به حق مبارزان دربند کردستان ایران، خواستار حمایت همه‌جانبه و گسترده احزاب و سازمان‌ها و شخصیت‌های ملی، میهن دوست و آزادیخواه از حقوق حقه و مشروع همه خلق‌های ساکن ایران است. فقط با تامین برابری کامل میان ساکنان کشور می

دانشگاه بوعلی همدان و عضو شورای عمومی انجمن اسلامی این دانشگاه بازداشت شد.

همچنین به گزارش ادواریوز و خبرنگارهای امیرکبیر و آزادی و برابری جلسه رسیدگی به اتهامات تعدادی از دانشجویان میهن دوست و مردمی و چپ به دلیل عدم حضور قاضی و نماینده دادستان به زمان دیگری موکول گردید.

در یکی از مواردی که دادگاه برگزار شد، یکی



فشارهای هدفمند بر ضد جنبش مردمی پیگرد غیرقانونی فرهنگیان و دانشجویان مبارز

به دنبال بازداشت گسترده دانشجویان و در ادامه سیاست اعمال فشار برنامه ریزی شده بر ضد جنبش مردمی در اوضاع حساس کنونی، کانون صنفی معلمان ایران با انتشار اطلاعیه‌ای به تاریخ ۲۶ شهریور ماه از بازداشت ۱۰ تن از اعضای تشکل‌های صنفی فرهنگیان کشور خبر داد، این کانون صنفی در اطلاعیه خود از جمله نوشتن، تعداد زیادی از اعضای شاخه تهران این تشکل صنفی و از نمایندگان تشکل‌های صنفی معلمان از سراسر ایران در تهران بازداشت شدند.

این بازداشت‌ها در اوضاعی صورت گرفت که قرار بود جلسه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت آغاز سال تحصیل و روز جهانی معلم در تهران برگزار شود، بعلاوه نمایندگان فرهنگیان قرار ملاقات با اعضای کمیسیون امنیت ملی و کمیسیون آموزش و پرورش داشتند و هیچیک از جلسات و یا قرارهای آنها مخفی و خلاف مقررات نبود.

همچنین سازمان معلمان ایران ضمن انتشار بیانیه‌ای با محکوم کردن این دستگیری‌ها نوشت: "در آستانه بازگشایی مدارس و نیز همزمان با اجرای طرح به اصطلاح سامان دهی نیروی انسانی، وزیر آموزش و پرورش که استرس‌های فراوان روحی و فشارهای شغلی بی‌شماری بر معلمان تحمیل کرده است و سرانجام پس از گذشت بیش از ۱۸ ماه از اسفند فراموش نشدنی سال ۸۵ و وعده وعیدهای بی‌شمار مسئولان در مورد قانون نظام هماهنگ پرداخت که هنوز جامه عمل به خود نپوشیده است.

تعدادی از همکاران ما در کانون‌های صنفی معلمان بازداشت شده‌اند."

سازمان معلمان ایران در همین بیانیه، بازداشت‌ها را غیرقانونی نامیده و خواستار آزادی هر چه سریع‌تر معلمان زندانی شد.

همزمان با این بازداشت‌های غیرقانونی و البته هدفمند، خبرنگار آزادی و برابری، سایت رسمی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب ۲۶ شهریور ماه اعلام داشت، یکی از دانشجویان

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

بافزایش قیمت مواد غذایی سفره مردم خالی مانده است

به گزارش رسانه های همگانی، افزایش سرسام آور مواد غذایی، تهیه حتی ابتدایی ترین و ضروری ترین خوراکی ها را برای مردم و به ویژه طبقات محروم جامعه دشوار و در اغلب موارد ناممکن ساخته است!

روزنامه سرمایه ۱۸ شهریور ماه در گزارشی از گرانی مواد غذایی از جمله نوشت: "در شرایطی که مسئولان وزارتخانه های بازرگانی و جهاد کشاورزی و همچنین اتحادیه های مربوطه و سازمان امور پشتیبانی دام، دست به دست هم داده اند تا بازار مواد خوراکی و کالاهای مصرفی ساماندهی شود و با وجود آنکه مسئولان مربوطه از تثبیت قیمت مرغ و تخم مرغ خبر داده بودند، از ابتدای هفته گذشته رشد قیمت این محصولات شتاب بیشتری گرفته است به نحوی که در تازه ترین گزارش بانک مرکزی از قیمت این مواد خوراکی، قیمت مرغ و تخم مرغ در هفته های منتهی به ۱۵ ماه جاری (۱۵ شهریورماه) درمقایسه با هفته ماقبل به ترتیب ۲/۵ و ۱۱/۷ درصد رشد را نشان می دهد... گزارش خبرنگار ما نیز حاکی از افزایش ۳۰ درصدی قیمت تخم مرغ در فروشگاه های شهر است، قیمت هر کیلو تخم مرغ به بیش از ۱۳۰۰ تومان رسیده و هر شانه حدود ۲ کیلویی تخم مرغ در برخی فروشگاه های شهر به قیمتی بیش از ۳۸۰۰ تومان فروخته می شود..."

در آخرین گزارش بانک مرکزی که در اوایل شهریور ماه امسال انتشار یافت، قیمت برخی مواد غذایی در مقایسه با ماه گذشته یعنی در عرض فقط ۱ ماه بیش از ۴۰ تا ۴۵ درصد افزایش را نشان می دهد. در گزارش فوق اعلام می شود، قیمت گوشت مرغ، شیر و فرآورده های شیری مانند کره، پنیر، خامه و ماست افزایش یافته و بیش از ۲۵ درصد رشد داشته است. برنج و حبوبات نیز از رشد ۱۰ تا ۱۵ درصدی برخوردار بوده اند. در عرض یک هفته قیمت انواع گوشت قرمز اعم از گوسفند، گوساله و گاو به ترتیب ۲/۷، ۲/۹ و ۳/۵ درصد افزایش یافت. در گروه سبزی های تازه قیمت گوجه فرنگی، خیار و کاهو بین ۱/۸ تا ۱۲/۸ درصد رشد پیدا کرد و قیمت چای ۱/۵ درصد افزایش یافت.

این گرانی سرسام آور و هولناک درواضعی صورت می پذیرد که دستمزد مزد بگیران کشور در سال جاری کماکان ثابت مانده و از نرخ واقعی تورم پایین تر است. علاوه بسیاری از کارگران و زحمتکشان با پدیده حقوق های معوقه دست و پنجه نرم می کنند و قادر به تامین مایحتاج اولیه معیشتی خود و خانواده هایشان نیستند.

سیاست های اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه و روش های دولت ضد مردمی احمدی نژاد باعث وعلت اصلی افزایش باور نکردنی قیمت مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی است.

حضور سرمایه بزرگ تجاری در حیات سیاسی و اقتصادی کشور و نقش مخرب آن در بازرگانی خارجی و سیستم توزیع کالاها، فقر و گرانی و بی عدالتی را بر جامعه امروز ایران تحمیل کرده است.

توان رشته های دیر پای تاریخی-ملی میان همه خلق های ایران را تقویت و از استقلال، یکپارچگی و سربلندی میهن مشترک دفاع کرد.

میراث گرانبهای ملی را حراج نکنید!

در ادامه برنامه خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه و همانگونه که مقامات جمهوری اسلامی قبلا اعلام کرده بودند، آثار و بناهای تاریخی و باستانی که بخشی از میراث پر ارزش و افتخار آفرین ملی ایران است به بخش خصوصی واگذار می شود. به گزارش خبرگزاری فارس ۱۷ شهریور ماه سال جاری تاکنون ۳۰ بنای تاریخی به بخش خصوصی واگذار شده است و بقیه آثار نیز در دست واگذاری است. فارس در این باره از قول مدیر کل صندوق بهره برداری از اماکن تاریخی گزارش داد: "بر اساس برنامه ریزی های انجام شده بیش از ۳۰ بنای تاریخی به بخش خصوصی واگذار شده و قرار است تا پایان سال ۱۰۰ بنا و مکان تاریخی به بخش خصوصی واگذار شود. بناهای یاد شده در شهرهای تاریخی مانند، مشهد، اصفهان و کاشان متمرکز هستند و بر اساس گزارشات موجود برخی از اماکن تاریخی در شهر یزد متمرکز شده اند."

علت چنین اقدام فاجعه باری را، مدیر کل صندوق بهره برداری از اماکن تاریخی جمهوری اسلامی و مسئولان سازمان گردشگری و میراث تاریخی، جذب سرمایه و تقویت بخش خصوصی عنوان می کنند! بطور مثال یکی از مسئولان ذی ربط به خبرگزاری فارس ۱۷ شهریور تاکید می کند: "در صندوق بهره برداری از اماکن تاریخی ردیف بودجه ای برای این امر (مرمت و بازسازی و نگهداری اماکن تاریخی) در نظر گرفته نشده و از سوی دیگر قرار نیست که دولت بودجه برای مرمت (ونگهداری) این بناها اختصاص دهد. بنابراین سرمایه گذار بخش خصوصی بناها و کاروانسراهای تاریخی را از محل سرمایه گذاری خود مرمت و احیا می کند."

جالب اینجاست که وی در پاسخ به این پرسش که چرا دوره سرمایه گذاری و مرمت و حفاظت از اماکن تاریخی طولانی است و هدف بخش خصوصی از طولانی کردن زمان عملیات چیست، اعتراف می کند: "چون بخش خصوصی از محل سرمایه خود عملیات را انجام می دهد، روند واگذاری ها طولانی می شود مثلا سرمایه گذار بخش خصوصی که خانه تاریخی شاپوری های شیراز و قسمت هایی از بناهای دوران زندیه شیراز را به دست آورده، قرار است مبلغی در حدود ۲ میلیارد تومان در این بناها سرمایه گذاری کند، ما هم قرارداد واگذاری ۲۷ ساله را با او امضاء می کنیم."

یعنی برای ۲۷ سال بخشی از آثار و بناها و اماکن تاریخی که میراث مشترک فرهنگی همه ایرانیان قلمداد می شود به تملک کلان سرمایه داران و دلالان عمده می افتد. پرواضح است که سرمایه گذار در فکر کسب سود و درآمد بیشتر است و به حفظ آثار کم ترین توجه را خواهد داشت. احداث هتل، میهمان سرا و فروشگاه در صدر اولویت بخش خصوصی در اماکن و بناهای تاریخی است. بطور مثال قرار است در قسمت هایی از بناهای دوران کریم خان زند، تفریح گاه و فروشگاه احداث شود و در چند کاروانسرای تاریخی یزد و اصفهان رستوران، سینما و سرویس بهداشتی و دستشویی برای گردشگران ساخته شود. آیا بخش خصوصی دلال و سودجو، تلاشی برای حفظ این آثار و اماکن از آسیب های احتمالی و حتمی خواهد کرد؟ و آیا قوانین کافی حمایتی برای حفظ این آثار تاریخی وجود دارد؟

در ضمن، مسئولان مدعی هستند که قرار نیست دولت در مرمت و بازسازی و نگهداری بناها و اماکن و آثار تاریخی بودجه ای صرف کند! اگر دولت وظیفه حفظ میراث تاریخی میهن ما را ندارد پس این وظیفه بر دوش کیست و کدام ارگان در این زمینه مسئولیت دارد؟ در هیچ کجای دنیا چنین غیر مسئولانه با تاریخ، فرهنگ و میراث گرانبهای ملی که بخشی از هویت ملی هر کشوری است برخورد نمی کنند. در کشورهایی نظیر چین، یونان و ایتالیا که به لحاظ قدمت تاریخی همچون میهن ما، بناها، آثار و اماکن تاریخی وجود دارد، دولتها با احساس مسئولیت و به شکل همه جانبه در راه حفظ و نگهداری میراث ملی و باستانی و بناهای تاریخی می کوشند و هر ساله مبالغ هنگفتی از بودجه صرف حفظ این آثار می شود ولی در ایران در زیر سایه رژیم ولایت فقیه، دولت از چنین وظیفه ای "معاف" است!!!

حراج میراث ملی و خصوصی سازی بناها و اماکن تاریخی-ملی ماهیت برنامه های ضد ملی و ضد مردمی رژیم و دولت تاریک اندیش کنونی را برملا می سازد.

مارکسیسم - لنینیسم یا تروتسکیسم

با نظری به نشریات و سایت های اینترنتی احزاب و سازمان های "چپ"، به راحتی می توان دریافت که کم نیستند سایت هایی که یا صراحتاً خود را طرفدار تروتسکی می دانند و یا اینکه با ادعای دفاع از مارکسیسم و لنینیسم در جامعه نئو تروتسکیسم، به انتشار افکار تروتسکی می پردازند. یکی از مکارانه ترین شیوه های تبلیغاتی این گروه ها، (البته با کمک ناقابل امپریالیسم)، این است که مدعی هستند که تروتسکیسم مترادف با لنینیسم است و تروتسکی، پس از لنین، برجسته ترین و شایسته ترین بلشویک ها و لایق ترین جانشین لنین بود. اما اینکه گویا او از طریق "نیرنگ ها" و "دسیسه های" استالین از "حق" واقعی خود محروم شده است.

جالب تر این است که در درسامه های تاریخ مدارس و دانشگاه های کشورهای امپریالیستی نیز، این "افسانه" تبلیغ شده و تروتسکی را "جانشین" واقعی لنین معرفی می کنند که، "تنها" به دلیل اختلافات شخصی با استالین، از حزب و جانشینی لنین کنار گذاشته شده است. این تبلیغات سبب شده تا بسیاری بدون آگاهی از آنچه که وجود داشته و دارد، به پیش داوری و قضاوت های مغرضانه دست بزنند. پیشداوری هایی که در انتها تمامی ارثیه معنوی انقلاب اکبر و دست آوردهای آن، به ویژه پس از مرگ لنین، را زیر سؤال می برد و تروتسکی را یک "قهرمان" واقعی و یک مارکسیست - لنینیست راستین معرفی می کند.

اما واقعیت اینست که تروتسکیسم و نظرات انحرافی تروتسکی، پس از مرگ لنین به وجود نیامده اند، بلکه مدت های طولانی پیش از پیروزی انقلاب اکبر، در جریان هجوم ارتش های کشورهای سرمایه داری به کشور انقلابی و نوپای شوروی و حتی پس از پیروزی انقلاب وجود داشتند و لنین در طول این سال ها، مبارزه ایدئولوژیک و بسیار جدی را در برابر این انحرافات انجام داد.

روند نظرات انحرافی تروتسکی، پس از مرگ لنین نیز ادامه یافت. تا زمانی که لنین زنده بود، این نظرات، که به طور عمده در مخالفت با نظرات لنین و در اساس در تضاد با مارکسیسم بودند، نتوانستند جایی در حزب بلشویک پیدا کنند و با شکست روبرو شدند. اما پس از مرگ لنین، تروتسکی تحت لوای "مبارزه" با "نظرات" استالین، به لنین و نظرات او حمله برد. او این بار با تغییر صورت بندی نظرات خود تحت نام "لنینیسم"، و به بهانه مبارزه با "استالینیسم"، مبارزه ای همه جانبه برضد حزب بلشویک و لنین را سازمان داد.

تروتسکیسم از بدو پیدایش خود، به عنوان گرایشی انحرافی در جنبش مارکسیستی و در تضاد با اصول مارکسیسم-لنینیسم شناخته شده است. این افکار نه تنها هیچ تفاهمی با لنینیسم ندارند، بلکه در تضاد آشکار با آن قرار دارند. افشای این افکار و نظرات انحرافی، از نیازهای جدی جنبش کمونیستی است، که به نوبه خود سبب تحکیم و ثبات بیشتر جنبش کارگری خواهد شد.

زنده یاد احسان طبری، در مقدمه ای که بر کتاب "۱۰ روزی که دنیا را لرزاند"، اثر جان رید، به برخی از نظرات انحرافی تروتسکیسم، نقش مخرب آن در جنبش انقلابی و تضاد آن با لنینیسم اشاره کرده و می نویسد: "در ایامی که روزنامه نگار مترقی و آگاه دل آمریکایی- جان رید- اثر خود را درباره ی انقلاب اکبر می نوشت، بنا به حکم بر ظواهر امور و بی خبری از کل مسائل، در باره ی لئون تروتسکی توصیف ستایشگرانه ای در کتاب آورده است. بعد ها نقش واقعی تروتسکی، که از همان آغاز برلنین عیان بود، بر همه جهان آشکار گردید. از آن جا که ممکن است از توصیف پاک دلانه ی جان رید نتوتروتسکیست های ما استفاده کنند سودمند دانستیم درباره ی نظر لنین درباره ی تروتسکی و تروتسکیسم برخی اوقایات تاریخی را یادآور شویم. زیرا اگر کسی واقعاً به مارکسیسم - لنینیسم دل بسته است و به قضاوت نظرهای سیاسی لنین باور دارد، در دام تروتسکیسم نمی افتد. لنین در زندگی خود بار ها با تروتسکی مبارزه و به کرات او را افشا کرده است و حتی در دورانی که تروتسکی به بلشویک ها پیوست و عضو حزب کمونیست بود، لنین در گفتگویی با گورکی در حق وی چنین گفت: "تروتسکی با ماست، ولی از ما نیست." (لنین و گورکی - اسناد مربوط به یک دوستی، برلین و وایمار، سال ۱۹۷۰، صفحه ۷۵).

از همان کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه، تروتسکی در مسائل حزبی و سیاسی متعددی در مقابل لنین می ایستاد. در دوران ارتجاع ستالی پین، حزب در شرایط دشواری بود و دو فراکسیون یعنی "تصفیه طلبان" که مخالف وجود سازمان مخفی بودند و "فراخوانندگان" (یا "اتروپیست ها") که مخالف فعالیت علنی حزب بودند، آن را تقسیم کرده و دچار اختلافات شدید درونی ساخته بودند. در این جریان

تروتسکی با اصطلاح خود در موضع "سانتریستی" ایستاد، ولی عملاً با تصفیه طلبان و دیگر مخالفان مشی لنینی همراهی می کرد و به جای پیوستن به سیاست لنینی افشاء اصولی این فراکسیون ها، سازش غیر اصولی را توصیه و تبلیغ می کرد.

در همین سال هاست (۱۹۱۱) که لنین تروتسکی را "یهودا تروتسکی" (۱) نامید. در سال ۱۹۱۴ لنین در باره ی روش ریاکارانه و نفاق افکنانه تروتسکی چنین نوشت:

"تروتسکی که خوش خدمتی نشان می دهد، از همه خطرناک تر است. تروتسکی هرگز و در هیچ یک از مسائل جدی و مارکسیستی یک عقیده پابرجا نداشته و همیشه در داخل شکاف اختلاف "خزیده است" و گاه به این طرف و گاه به آن طرف نوسان کرده است و در لحظه کنونی نیز با بوندیست ها (ناسیونالیست های یهود) و گروه "تصفیه طلبان" همراهی می کند. (کلیات لنین به روسی، جلد ۲۰، صفحه ۴۵۳)

در آستانه انقلاب اکبر تروتسکی که بر رأس گروه "بین منطقه ای ها" (مژرایوتستی) قرار داشت، به بلشویک ها پیوست، ولی او که هرگز لنینیسم را درک نکرده بود با تعبیر غلط و غیر مارکسیستی از مفهوم "انقلاب مداوم"، انقلاب اکبر را تنها به عنوان "تکان دهنده" انقلاب پرولتری در اروپای باختری توصیف می کرد. "انقلاب مداوم" در مارکسیسم در شرایط تاریخی مورد بحث عبارت بود از انقلاب بورژوا دموکراتیک به سوی انقلاب سوسیالیستی و اجراء انقلاب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی برای تحول بنیادی جامعه و نه به معنای تازاندن مصنوعی انقلاب در قاره اروپا. تروتسکی در این دوران نقش دهقانان را نیز انکار می کرد و بر آن بود که در روسیه انقلاب طبقه کارگر مسلماً منجر به پیدایش تضاد و تضاد بین کارگر و دهقان می شود. این نظریات تروتسکی را لنین به عنوان نظریات "چپ روانه و نامعقول" (جلد ۲۰، ص ۳۲۱) توصیف کرد و در انتقاد از آن نوشت:

نظریات تروتسکی نظریاتی التقاطی است "که دعوت به مبارزه قاطع انقلابی از جانب پرولتاریا برای تصرف قدرت حاکمه از بلشویک ها اخذ می کند، ولی انکار و نفی نقش دهقانان را از منشویک ها می گیرد." (جلد ۲۱، صفحات ۲۸۱-۲۸۲)

پس از پایان جنگ داخلی (۱۹۲۰-۱۹۲۱) تروتسکی بحث را بر اتحادیه های کارگری تحمیل کرد. وی در مورد اتحادیه ها ضرورت اجراء اسلوب فرماندهی، "تکان دادن" کادر ها از طریق شیوه های اداری و سیاست "سفت کردن پیچ ها" را مطرح ساخت. در این ایام لنین خطای تئوریک و زبان و خطر سیاسی نظریات تروتسکی را مطرح ساخت و نوشت که مختصات این نظریات تروتسکی عبارت است از:

۱) فراموش کردن مارکسیسم، آن جا که رابطه سیاست و اقتصاد در یک تعریف از لحاظ تئوریک غلط و التقاطی بیان می شود؛

۲) دفاع یا مستور داشتن خطای سیاسی که در سیاست "تکان دادن" بیان شده که اگر به این اشتباه به موقع اعتراف نشود و به موقع اصلاح نگردد، به سقوط دیکتاتوری پرولتاریا منجر خواهد شد؛

۳) گامی به عقب در هر عرصه مسائل تولیدی و اقتصادی از طریق طرح ترهای عمومی و مجرد و انتزاعی و "میان تهی" و از جهت نظری خطا همراه با فرمول بندی های روشن فکرا نه و فراموش کردن عملی ترین و پراتیک ترین نکات. (کلیات، جلد ۳۲، صفحات ۶۳-۶۴)

لنین در "نامه به کنگره" که آن را در ۲۳ و ۲۴ دسامبر سال ۱۹۲۲ تنظیم کرده است، در باره تروتسکی ارزیابی زیرین را می دهد:

"رفیق تروتسکی، همان طور که چگونگی مبارزه ی او علیه کمیته مرکزی در مورد مسئله کمیسیاریای ملی نشان داد،

ادامه مارکسیسم - لنینیسم ...

خصوصیتش تنها استعدادهای برجسته اش نیست. او شخصاً شاید با استعدادترین فرد کمیته مرکزی فعلی باشد، ولی در عین حال خود پسندی او نیز از حد و اندازه فزون است و به جنبه صرفاً اداری کارها شیفتگی فوق العاده دارد." (لنین، آثار منتخب به فارسی ج ۲، ق ۲ صفحه ۹۱۰).

پس از درگذشت لنین، تروتسکی به فعالیت خود، که از جهت سیاسی خطا و از جهت سازمانی تخریبی و فراکسیون بود، افزود و همان طور که لنین بیم داشت، خطر انشعاب در حزب را به وجود آورد. روش تروتسکی او را به شدت در حزب و رهبری منفرد کرد و منجر بدان شد که در کنگره پانزدهم حزب بلشویک (۱۹۲۷) تبلیغ تروتسکیسم را مخالف عضویت در حزب دانست. در سال ۱۹۲۹ تروتسکی به خارج تبعید شد. تروتسکی در خارج از فعالیت تفرقه آمیز علیه جنبش کمونیستی باز نایستاد و اینک سران جریان تروتسکیسم جهانی که با سازمان های امپریالیستی پیوند یافته اند، به این سیاست تفرقه جوینه در جنبش کارگری و کمونیستی جهانی، تحت شعار های به ظاهر چپ، ادامه می دهند. یکی از وظایف مهمی که تروتسکیسم در برابر خود نهاده، ایجاد عدم اعتماد به کشور های سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی، شکاف در جبهه ضد سرمایه، به سود سرمایه است. برای آن که مضرات و خطرات نقش تفرقه افکنانه سفسطه های "چپ" از نوع تروتسکیسم و مائوئیسم روشن شود، سودمند می دانیم به برخی سخنان لنین راجع به اهمیت نقش وحدت جهانی مجاهدان انقلابی اشاره کنیم. زیرا به ویژه در این زمینه است که تروتسکیسم ضربت خود را وارد می سازد.

لنین بارها خاطر نشان می کرده است که مبارزه پرولتاریای یک کشور تنها به مبارزه علیه بورژوازی داخلی آن محدود نمی ماند و به ناچار با مبارزه پرولتاریای کشورهای دیگر علیه سرمایه داری جهانی پیوند می یابد. لنین می نوشت:

"بدین سان انقلاب سوسیالیستی تنها و به طور عمده مبارزه پرولتاریای انقلابی یک کشور جداگانه علیه بورژوازی خودی نخواهد بود. نه، بلکه این مبارزه همه مستعمرات و سرزمین هایی خواهد بود که از امپریالیسم ستم می بینند، این مبارزه همه کشورهای علیه امپریالیسم جهانی خواهد بود." (ج ۳۰، ص ۱۴۴).

به همین جهت لنین پیوسته مسئله ضرورت تأمین وحدت و هم پیوستگی مبارزان در راه سوسیالیسم را در مقیاس یک کشور و در مقیاس جهانی مورد تأیید و تأکید مکرر در مکرر قرار می داد و می گفت:

"در مقابل جبهه غول آسای قدرت های امپریالیستی، ما که با امپریالیسم مبارزه می کنیم جمعی هستیم که به یک به هم پیوستگی اکید نظامی نیازمندیم و ما هر گونه کوششی برای بر هم زدن این به هم پیوستگی را پدیده ای می شمیریم که به هیچ وجه نمی باید تحمل شود، آن را خیانت به منافع مبارزه علیه امپریالیسم جهانی می دانیم." (کلیات، جلد ۳۰، صفحه ۳۱۶).

لنین می گفت که، امپریالیست ها به ویژه توجه دارند که سیاست های حادثه جوینانه به اصطلاح چپ را تشویق کنند، زیرا این سیاست ها بر حسب ظاهر به جریاناتی شباهت دارد که "از جهت عباراتی که به کار می برد بسیار انقلابی و از جهت نظریات واقعی خود ابداً انقلابی نیست." (ج ۶ صفحه ۲۸۱).

لنین می آموخت که:

"مبارزه علیه امپریالیسم به یک جمله پردازی توخالی و دروغین مبدل می شود اگر این مبارزه با مبارزه علیه اپورتونیسیم با قوت تمام گره نخورد." (جلد ۲۲، صفحه ۳۰۷).

این تعالیم لنین دو نکته مهم را که فعلیت و وحدت کامل خود را حفظ کرده است برجسته می کند:

اول - اتحاد همه پرولتاریای انقلابی در مقیاس جهانی و هم پیوستگی اکید آن ها با یکدیگر شرط ضرور مبارزه کامیابانه این پرولتاریا با امپریالیسم است که در مقیاس جهانی متحد شده است. هرگونه تفرقه ای در این اتحاد خیانت است. تروتسکیسم مدت هاست که به این خیانت مشغول است و نقش عمده و اصلی او تفرقه اندازی در صفوف انقلابیون است؛

دوم - امپریالیسم به ویژه از تئوری های ما وراء چپ و از عبارت پردازی های تو خالی و تخریبی انقلابی مآبانه برای ایجاد تفرقه در جنبش انقلابی و جلب عناصر نا استوار و سطحی و بی تجربه در این جنبش به سود خود استفاده می کند. مبارزه با انواع اپورتونیسیم از "چپ" و راست شرط ضرور تحکیم ایده ئی صفوف مبارزان انقلابی، شرط مقدماتی اثر بخش کردن مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است. در جریان خواندن این کتاب نیز ابداً نباید فراموش کرد که تروتسکیسم یکی از اشکال اپورتونیسیم "چپ" است که سازمان های جاسوسی امپریالیستی آن را برای ایجاد شکاف در نهضت انقلابی ضد امپریالیستی تغذیه و تقویت می کنند. طرد آن از شرایط ضرور مبارزه پیگیر علیه امپریالیسم است.

احسان طبری

(مقدمه کتاب ۱۰ روزی که دنیا را لرزاند)

ادامه خستگی ناپذیر ...

خود ادامه داده و همچنان استوار و پیگیر پرچم مبارزه را بردوش می کشد. هشتصدمین شماره دوره هشتم مصادف با شصت و هفتمین سالروز پایه گذاری حزب و بیستمین سالگرد فاجعه ملی است و این تقارن خود گویای نامیرایی آرمانی است که نامه مردم بانگ رسا و درفش دراهتراز آن قلمداد می شود.

مردم و نامه مردم با تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی وضد استبدادی نزدیک به هفت دهه اخیر تاریخ معاصر میهن ما پیوند گسست ناپذیر دارد. نامه مردم طی تمام این ساله های پر فراز و فرود علیه بیدادگری، وابستگی، توطئه ها و دسایس امپریالیسم جهانی و وابستگان آن در هر رنگ و لباسی و برضد غارتگری، واپس گرایی و خودکامگی پیوستن رزمیده و صدای حق طلبی، عدالت خواهی و آزادگی و حمایت قاطع از منافع زحمتکشان و همه توده های محروم جامعه بوده و هست!

بررسی نزدیک به هفت دهه فعالیت مطبوعات توده ای که نامه مردم در میان آنها جایگاه خاصی را داراست، گواه خدمات ارزنده و بزرگ این مطبوعات در تکامل زبان و فرهنگ و هنر ایران و اشاعه اندیشه های علمی و فلسفی در جامعه است، نکته پر اهمیت در ارزیابی مطبوعات توده ای، این حقیقت است که، این نشریات بیش از ۶۰ سال از عمر خود را در وضعیتی که حزب توده ایران تحت پیگرد و اختفای کامل قرار داشته و دارد، سپری کرده اند. این امر در خصوص نامه مردم بیش از سایر مطبوعات و نشریات توده ای صادق است.

زندگی نامه مردم (مردم) به ۸ دوره تقسیم می شود که فعالیت آن بعنوان ارگان مرکزی حزب، ۶ دوره اخیر را دربر می گیرد. در واقع دوره های ۶ گانه نامه مردم (مردم) هر یک دوره های زندگی و مبارزه حزب توده ایران نیز هستند و در عین حال مراحل به کلی متفاوت مبارزات انقلابی میهن ما را نیز متجلی می کنند.

هنگامیکه در آستانه دومین سالگرد شهادت آموزگار زحمتکشان ایران دکتر تقی ارانی، در ۱۲ بهمن سال ۱۳۲۰، مردم (نامه مردم) در تهران تولد یافت در سرلوحه خود این عبارت را با حروف درشت چاپ کرده بود: "این روزنامه پشتیبان کسانی است که با فکر و با بازوی خود کار کرده و از حاصل دسترنج خود نان می خورند." در تمام سالبان درازی که از انتشار نخستین شماره تا به امروز می گذرد، نامه مردم به این اصل وفادار بوده و همین وفاداری، کینه و دشمنی امپریالیسم و ارتجاع را برانگیخته و برمی انگیزد.

اینک با انتشار هشتصدمین شماره دوره هشتم، نامه مردم با وجود دشواریهای گوناگون، کمبودها و کاستی های موجود، وفادار به سنت های درخشان انقلابی و مردمی خود، خستگی ناپذیر درسنگر نخست مبارزه حضور دارد و با امید به آینده ای بهتر به مثابه پرچم همیشه دراهتراز حزب توده ایران و سخنگوی زحمتکشان فعالیت خود را ادامه می دهد. هیچ زورگوی مستبدی نتوانسته و نخواهد توانست این فعالیت روشنگرانه و آینده ساز را متوقف کند. نامه مردم در سنگر مردم استوار می رزمند!



رفیق نام سیلی، از بنیان گذاران مرکز حقوق سندیکایی

بر ضد امپریالیسم و طرح های آن را به جلو ببرند. القاب ضد امپریالیست غالباً به طور مصنوعی و از سر بی اطلاعی به این رژیم و یا آن حاکمیت در منطقه خاورمیانه داده می شود، بدون اینکه ماهیت چنین رژیم هایی و سیاست های داخلی آنان، نه فقط در مسئله بنیادی حقوق بشر و دموکراسی بلکه همچنین در رابطه با سیاست های اقتصادی و اجتماعی، دقیقاً در نظر گرفته شود. همبستگی واقعی بر ضد امپریالیسم و سیاست های جنگ طلبانه آن همچنین نیازمند همبستگی پیگیر، اصولی و موثر با مردم ستمدیده و نیروهای دموکراتیک آن ها است.

رفیق عبدالباقی العواد، به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان در پیام خود گفت: «موضع شجاعانه و سربلند رفقای شما بر ضد رژیم تاریکی و سرکوب مشعلی همیشه نورانی در طول مسیر مقاومت در مقابل چنین رژیم های غیر انسانی و تبه کاری می باشد... رفقا قلب های ما با شماست چرا که ما کاملاً درد و غم شما را در رابطه با این تراژدی و از دست دادن رفقای ارجمندتان درک می کنیم. ما در این مراسم سوگند می خوریم که به مبارزه خود برای یک نظام سکولار در سودان و دیگر کشور ها، نظامی که در آن مذهب از دولت جداست، ادامه خواهیم داد. آینده مبارزه ما با شما یکپاست و ما هیچگاه اجازه نخواهیم داد که مسیبان این جنایت ها از چنگال عدالت بگریزند. زنده باد مبارزه عادلانه خلق های مان بر علیه رژیم های تاریک اندیش حاکم در سودان و ایران».

بعد از چند دقیقه تنفس، که در آن آهنگی به مناسبت «خاوران» پخش و از حضار پذیرائی شد، رفیق «جورج آنتونی»، رهبر سازمان ترقیخواه، ضد استعماری و مشهور «لیبراسیون» به سخنرانی پرداخت. آنگاه نوبت سخنرانی به مبارز سرشناس جنبش سندیکایی انگلستان، دکتر «تام سیلی»، از بنیان گذاران «مرکز بین المللی برای حمایت از حقوق سندیکایی» رسید. رفیق سیلی با اشاره به آشنائی ۳۰ ساله خود با مبارزات حزب توده ایران مسیبان فاجعه ملی را که در جریان آن بسیاری از رهبران و فعالان جنبش سندیکایی ایران اعدام شدند، محکوم کرد. او در سخنرانی خود به اهمیت مبارزه رفقای توده ای در روشنگری جنبش سندیکایی بریتانیا و در دفاع از فعالان سندیکایی ایران و اثرات مهم آن اشاره کرد.

در فاصله بین سخنرانی ها قطعاتی از موسیقی فولکلوریک و مبارزاتی با ویولن توسط رفیق «کن کیبل»، دبیر کمیته منطقه ای حزب کمونیست انگلستان برای حاضرین نواخته شد که مورد توجه همگان قرار گرفت. آخرین سخنرانی از آن رفیق نوئل هاریس، دبیر کل کمیته دفاع از حقوق مردم ایران» (کودیر)، بود که در طی سخنرانی خود به موازات محکوم کردن مسیبان اصلی فاجعه ملی و ضرورت ادامه کارزار برای افشا و به محاکمه سپردن آنان، عرصه های اصلی مبارزه بین المللی برای همبستگی با مبارزه مردم ایران برای صلح و دموکراسی را مورد توجه قرار داد. در انتها، پس از اجرای دسته جمعی سرود انترناسیونال، گل های سرخ به یاد شهدای فاجعه ملی به حاضرین داده شد.

مراسم گرامیداشت جان باختگان فاجعه ملی در لندن

توطئه سکوت رژیم پیرامون فاجعه ملی را در هم شکنیم!

به مناسبت گرامیداشت جان باختگان فاجعه ملی در سال ۱۳۶۷، در روز سی - ام شهریور، مراسمی از طرف سازمان حزب توده ایران در انگلستان سازمان داده شد. مراسم با سرود چهارم حزب توده ایران آغاز شد و پس از آن به یاد و احترام شهدای فاجعه ملی، یک دقیقه سکوت اعلام شد.

سالن محل برگزاری با تصویر هایی از شهدای حزب، پوستر ویژه فاجعه ملی، و شعار «توطئه سکوت رژیم پیرامون جنایت مدهش فاجعه ملی را در هم شکنیم» و پلاکاردی با شعار: «در بیستمین سالگرد فاجعه ملی یاد و راه جانباختگان را گرامی می داریم» آراسته شده بود. در کنار آنها میز کتاب حزب با چندین شماره از «نامه مردم» و کتاب «برخی بررسی ها در باره جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی»، اثر زنده یاد، رفیق طبری، و همچنین نشریات انگلیسی زبان «توده نیوز» و «ایران تودی» قرار گرفته بود. پس از خوش آمد به حضار از سوی مجری جلسه، رفیق ناصر موزن، با گفتاری با عنوان «بیست سال سکوت»، ضمن اشاره به روند وقایع فاجعه ملی و خطری که حزب، پیش از فاجعه ملی، اعلام کرده بود، آن را یک برنامه از پیش تهیه شده و در روند تشدید فشار و سرکوب خواند. او در ادامه کارزار های وسیعی را که توسط حزب برای افشای این جنایت و اعتراض به آن، پیش از وقوع فاجعه، صورت گرفته بود، برشمرد. پس از وی، نماینده حزب توده ایران در بریتانیا، طی سخنرانی خود به بررسی تاریخی شرایط و اهداف رژیم ولی فقیه در دست زدن به فاجعه ملی پرداخت و تشریح کرد که این فاجعه با دخالت و دستور مستقیم خمینی صورت گرفت تا از طریق آن رژیم «ولایت فقیه» بتواند بخش بزرگی از نیروهای مبارز و ترقی خواه را از طریق فیزیکی از عرصه مبارزه حذف کند و اینکه پس از آن اختناق مرگباری بر کشور حاکم شد. رفیق سخنران در بخش دیگری از سخنان خود سکوت آگاهانه رژیم در مورد این جنایت مدهش را، به دلیل ادامه روند چنین سرکوب ها خواند، و سرکوب خشن فعالان جنبش کارگری و سندیکایی، جنبش زنان و دانشجویی را در زمره آنها شمرد و محکوم کرد. او همچنین اشاره کرد که، این کشتار به اندازه ای غیر انسانی و تکان دهنده بود که حتی برخی از سران حکومتی به آن اعتراض کردند که از جمله آنها آیت الله منتظری بود که پس اعتراض، از مقام نیابت «ولایت فقیه» برکنار شد.

رفیق «رابرت گریفیث»، دبیر کل حزب کمونیست انگلستان، سخنران بعدی مراسم بود که در سخنان خود از جمله گفت: «به نمایندگی از حزب کمونیست بریتانیا، من درودها و تسلیت خود را در ۲۰مین سالگرد کشتار در زندان ها، فاجعه ملی، به حزب توده ایران تقدیم می دارم. ما مایلیم که صدای خود را به این خواست ها که رژیم تهران جنایت مدهش تابستان ۱۹۸۸ را تصدیق کند، که آن هایی را که مسئول این جنایت بودند به دست عدالت بسپارد، و اینکه خانواده ها، دوستان و رفقای جانباختگان آزاد باشند که در بیستمین سالگرد فاجعه به یادبود و گرامی داشت آنان بنشینند. ما همچنین معتقدیم که خانواده های داغدار باید از حقوق بنیادی دموکراتیک خود برای اعتراض با این مسایل در داخل ایران، برخوردار باشند. ما با تمام وجود از مبارزه شما برای حقوق دموکراتیک در کشورتان، به همانند مبارزه خودمان، حمایت می کنیم. به این دلیل است که ما به مبارزه شجاعانه جنبش زنان در ایران درود می فرستیم و خواهان پایان دادن به سرکوب سران و فعالان آن و آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم. رفقا، ما شرایط دشواری را که حزب توده ایران در آن مبارزه می کند، را درک می کنیم. ما مواضع اصولی ای را که حزب شما برگزیده است، را تحسین می کنیم. رفقا، ما اهمیت عظیمی برای روابط گرم و دیرپای دوستی بین دو حزب مان قابل هستیم. ما مبارزه قهرمانانه حزب توده ایران برای دموکراسی، آزادی، صلح و حاکمیت ملی را گرامی می داریم».

سپس رفیق رکن الدین خسروی، هنرمند برجسته و سرشناس تئاتر ایران شعری از هوشنگ ابتهاج را در رابطه با شهدای جنبش دکلمه کرد و پس از آن نمایندگان احزاب کمونیست عراق و سودان پیام های خود را خواندند. رفیق «سلام علی»، عضو کمیته مرکزی کمونیست عراق در سخنرانی خود از سخنرانی خود از جمله اظهار داشت: «اجازه بدهید که به مناسبت ۲۰مین سالگرد اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی در ایران، عمیق ترین تأثرات و احساسات همبستگی خود را به خانواده های هزاران قربانی این رخداد تراژیک تقدیم دارم. ما همچنین به حزب توده ایران می پیوندم که در این مراسم به گرامی داشت خاطره کادرهای شهید حزب در جریان این موج وحشیانه حذف فیزیکی، از جمله اعضای رهبری حزب برادر، نشسته است».

رفیق کمونیست عراقی سپس به مبارزات مشترک دو حزب برادر بر ضد ترور و جنگ اشاره کرد و در ادامه گفت: اجازه بدهید که یک درس مهم که محصول تجربه ما در عراق و جهان عرب است، درسی که اهمیت ویژه ای برای نیروهای چپ دارد، اشاره کنم. رژیم های ضد دموکراتیک و ضد کمونیست هرگز نمی توانند مبارزه پیگیر

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی ...

ماست که حتی مخالفان و دشمنان حزب ما نیز نمی توانند آن را انکار کنند. بقا و ادامه فعالیت حزب توده ایران در شصت و هفت سال گذشته، در حالی که بخش عمده ای از حیات حزب در شرایط دشوار حملات وسیع و وحشیانه امپریالیسم و ارتجاع سپری شده است خود گواه نیرومندی از اصالت اجتماعی حزب و ریشه های عمیق آن در درون جامعه است. در تمامی این دوران شصت و هفت سال نیروهای ارتجاعی به بهانه های گوناگون توده ای ها را هدف وحشیانه ترین حملات قرار داده اند. از دستگاه های سرکوب رژیم وابسته پهلوی گرفته که شمار بزرگی انسان های والا و رزمندگان قهرمان توده ای همچون روزبه، سیامک، میشری، و کیوان... را به جوخه های اعدام سپردند تا مزدوران رژیم ولایت فقیه، که در بزرگ ترین کشتار سیاسی تاریخ میهن ما، هزاران زندانی سیاسی را به خاطر پایبندی به آرمان های طبقه کارگر و آزادی میهن در شکنجه گاه های شاه و رژیم جمهوری اسلامی سپری کرده بودند، قتل عام کردند، تلاش همواره امپریالیسم و ارتجاع داخلی جلوگیری از فعالیت سیاسی و تشکیلاتی حزب توده ایران بوده و هست. بخشی از این تلاش به راه اندازی کارزار وسیع و قطع ناشدنی تبلیغاتی بر ضد حزب توده ایران و تاریخ آن بوده است و این کارزار امروزه با بودجه عظیم دستگاه های امنیتی رژیم ولایت فقیه همچنان ادامه دارد.

اگرچه در طول شصت و هفت سال گذشته از چپ و راست بر حزب ما تاخته اند، و اگرچه دستگاه های تبلیغاتی حکومت های ارتجاعی، و بلند گویای امپریالیسم جهانی تلاش کرده اند تا با قلب حوادث تاریخی، ماهیت انقلابی و رزمنده حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور را واژگونه ترسیم کنند، با اینهمه، حزب ما همچنان پیگیر به مبارزات خود ادامه داده است. هدف ارتجاع و امپریالیسم حمله به بنیان های فکری و سیاسی حزب ما و محروم کردن جامعه ما از تجربه و توان حزب در رهبری و سازمان دهی کارگران و توده های محروم بوده و هست.

هم میهنان گرامی!

شصت و هفتمین سالگرد حزب توده ایران در حالی فرا می رسد که میهن ما، نزدیک به سی سال پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷، و در پی خیانت روحانیت به رهبری انقلاب رسیده به آرمان های مردمی جنبش ضد استبدادی و آزادی خواهی کشور، در چنگال رژیم ضد مردمی، واپس گرا و استبدادی، با دشواری های روز افزون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحمیل شده از سوی مرتجعان حاکم رو به روست.

نزدیک به چهار سال پس از تحمیل نامزد ولی فقیه به عنوان رئیس جمهوری کشور، در پی انتخاباتی که به حق پر تقلب ترین و بی اعتبار ترین انتخابات حیات جمهوری اسلامی ارزیابی شد سیاست های مخرب دولت احمدی نژاد، از یک سو وضعیت اقتصادی-اجتماعی کشور را به شدت بحرانی کرده است و از سوی دیگر با از بین بردن ثبات اقتصادی، با وجود درآمد عظیم نفت، اکثریت مردم را با فشارهای کمر شکن اقتصادی رو به رو کرده است. امروز آمار رسمی منتشر شده از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار کشور گواه این حقیقت دردناک است که ده ها میلیون شهروند زیر خط فقر، تعریف شده از سوی دولت به سر می برند. رشد شدید بیکاری، خصوصا در میان جوانان، تشدید آهنگ ورشکستگی واحدهای تولیدی، گرانی فزاینده و تورم در حال رشد، گسترش بی سابقه ناهنجاری های اجتماعی: اعتیاد و فحشاء، در کنار تشدید جو اختناق و یورش گزندگان امنیتی رژیم به نیروهای دگراندیش، فعالان کارگری و سندیکایی، دانشجویان و زنان آزادی خواه، سیمای واقعی جامعه بحران زده ما را در شرایط ادامه حاکمیت رژیم ولایت فقیه ترسیم می کند. افزون بر این کشور ما در محیط بسیار مشتجع منطقه بیش از پیش از سوی امپریالیسم مورد تهدید قرار دارد. حزب ما در مقاطع مختلف اوج گیری تشنج ها در سال گذشته به دفاعات یاد آور شد که تجربه تاریخی نشان داده است که امپریالیسم آمریکا برای استقرار هژمونی بی چون و چرایش در منطقه استراتژیک خلیج فارس آماده است تا با لشکر کشی و استفاده گسترده از نیروهای نظامی صلح و امنیت مردم منطقه را به نابودی بکشاند. و لذا هر گونه بهانه دادن به امپریالیسم و متحدان منطقه ای آن، برای دامن زدن به جو تشنج و آماده کردن اذهان عمومی، برای درگیری نظامی با ایران بی شک مخالف منافع ملی میهن ماست. حزب توده ایران اعلام کرده است که ضمن دفاع از حق طبیعی ایران برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، معتقد است که موضوع برنامه هسته ای دولت ایران تنها بهانه ای برای توجیه سیاست های سلطه طلبانه امپریالیسم در منطقه است. درگیری های بسیار خطرناک کنونی منطقه، نه از طریق تهدید سیاسی، اقتصادی و نظامی بلکه تنها از طریق مذاکرات بین المللی قابل حل و فصل است. وجود بیش از صد هزار نیروی نظامی اشغالگر در عراق و افغانستان، در کنار حضور گسترده ناوگان آمریکا و دیگر کشورهای ناتو در خلیج فارس خود از علل اساسی وضعیت حاضر است.

هم میهنان گرامی!

بحران و اگر دقیق تر بگوییم بن بست سیاسی کشور نتیجه مستقیم سیاست های دیکته شده از سوی ولی فقیه رژیم و انحصار خفقان آور تمامی ارگان ها و نهادهای های تصمیم گیری در دست مشتعی عناصر عمیقاً ارتجاعی و عمدتاً نمایندگان سرمایه داری بزرگ تجاری کشور و نیروهای سرکوبگر و وابستگان آنهاست. نقش روز افزون نیروهای انتظامی و سرکوبگر، خصوصاً سپاه پاسداران و فرماندهان آن در فعالیت های اقتصادی-سیاسی کشور، که از جمله "دست آوردهای" دولت احمدی نژاد است پدیده ای بسیار خطرناک است که می تواند برای آینده تحولات کشور خطرات جدی را در پی داشته باشد.

ایران در حالی که به زودی به سمت انتخابات ریاست جمهوری دیگری می رود از هم اکنون با خطر جدی دخالت نیروهای نظامی و انتظامی برای تحمیل نتایج انتخابات رو به روست. حزب ما در تمامی شصت و هفت سال حیاتش همواره منادی همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای آزادی خواه و ضد استبداد کشور بوده و در این راه تلاش های فراوانی کرده است. امروز با وجود خطرات خارجی و داخلی که منافع میهن ما را تهدید می کند اتحاد عمل آزادی خواهان بیش از پیش ضروری و نیاز فوری جنبش مردمی است. پیروزی ارتجاع در روی کار آوردن دولت گوش به فرمان خود در شرایطی امکان پذیر شد که نیروهای اجتماعی و سیاسی تحول طلب از پراکندگی مزمن و عدم هماهنگی رنج می بردند و نتوانستند در حساس ترین مقطع بر سر شعارهای واحد مبارزاتی به توافق برسند. باید با درس گیری از تجربه دردناک چهار سال گذشته به مقابله با توطئه های ارتجاع پرداخت. غلبه بر برنامه های ارتجاع، از جمله حرکت مشترک و واقع بینانه در انتخابات آتی ریاست جمهوری و همچنین تلاش بیش از پیش در راه سازمان دهی مشترک نیروهای اجتماعی خصوصاً کارگران و زحمتکشان و همچنین جنبش دانشجویی و زنان کشور می تواند راه گشای تحولات مثبت به سود جنبش مردمی در میهن ما باشد.

رزمندگان توده ای! اعضاء و هواداران حزب یک سال دیگر از تلاش های خستگی ناپذیر شما برای در اهتزاز نگاه داشتن پرچم حزب طبقه کارگر ایران و همه زحمتکشان میهن گذشت. در بیست و شش سال گذشته رژیم ولایت فقیه و دستگاه های امنیتی کشور های امپریالیستی همه امکانات گسترده خود را برای انشقاق در حزب و بی اعتبار کردن رهبری آن به کار گرفته اند و این تلاش ها با همان گستردگی همچنان ادامه دارد. هوشیاری و آگاهی تحسین برانگیز اعضاء و هواداران حزب سد اساسی موفقیت برنامه های رژیم و امپریالیسم بوده و خواهد بود. در آستانه شصت و هفتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، ما بار دیگر اعتقاد عمیق خود را به رسالت تاریخی حزب توده های کار و زحمت، برای رهایی ایران از چنگال استبداد و استقرار آزادی، استقلال واقعی و عدالت اجتماعی، اعلام می کنیم. ما همچنین در بیستمین سالگرد فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی، به دست مزدوران جنایتکار رژیم ولایت فقیه، از جمله صد ها تن از رهبران، کادرها، فعالان و هواداران حزب، بار دیگر با کاروان انبوه شهدای حزب و همه شهدای راه آزادی و رهایی میهن تجدید عهد می کنیم و مطمئنیم که این فداکاری های سترگ زمینه ساز رهایی نهایی میهن از چنگال های استبداد و ارتجاع خواهد بود.

درد آتشین به خاطره تابناک همه جان باختگان راه آزادی
درد به زندانیان سیاسی و همه خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی
پیروز باد مبارزه مشترک همه نیروهای آزادی خواه
برای طرد رژیم ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴ مهر ماه ۱۳۸۷



«نامه مردم» در فستیوال اومانیته

* مسافری از ایران: «نامه مردم» پرچم مبارزاتی حزب و مشعل راهنمای مبارزه زحمتکشان کشور است، در این شرایط بغرنج داخلی و بین المللی آن را پر رنگ و برافراشته نگهدارید.

* هیئت های نمایندگی احزاب برادر از هند، پرتغال، قبرس و فرانسه از غرفه نامه بازدید کردند و مورد پذیرائی قرار گرفتند.

* رهبر حزب کمونیست فرانسه: خلق برای ورود به یک جنبش اجتماعی پر شکوه بسیج میشود، علیه سیاست دولت به نبرد بر می خیزد و در اینجا برای جانشین شدن سرمایه داری و نو لیبرال ها آماده می شود

فستیوال پرشکوه روزنامه «اومانیته»، نشریه حزب کمونیست فرانسه، طبق سنت همه ساله در روزهای ۲۲ الی ۲۴ شهریورماه در پارک عظیم «کورنیو»، در حومه پاریس، برگزار شد. فستیوال امسال هم چون سالیان گذشته با سخنرانی «پاتریک هیاریک»، سردبیر اومانیته، در چادر عظیم جلسات بحث در قلب دهکده جهانی در صبح شنبه ۲۲ شهریور رسماً افتتاح شد. در این جلسه «ژاک فتح»، مسئول روابط بین المللی حزب کمونیست فرانسه، و «فرانسیس وورتز»، رهبر فراکسیون چپ در پارلمان اروپا سردبیر اومانیته را همراهی می کردند. سردبیر اومانیته در سخنرانی مفصل خود پس از خوش آمد به شرکت کنندگان و نمایندگان احزاب برادر حاضر به تشریح شرایط بین المللی و نقش بسیجگر اومانیته در مبارزه زحمتکشان فرانسه پرداخت. او به اهمیت ترویج انترناسیونالیسم برای مردم و تقویت روحیه حمایت از آن توجه داد و متذکر شد که به هیچ روی نمی بایست به تاثیر متقابل مبارزه خلق های مختلف در جهان بی توجه بود. او با حمله به نو لیبرالیسم به مثابه منبع و مولد همه معضلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان به حقیقت زندگی میلیارد ها نفر در جهان در شرایط فقر مطلق اشاره کرد و چنین شرایطی را غیرقابل دوام دانست. سردبیر اومانیته مسئله مبارزه خلق های خاورمیانه و به ویژه مردم فلسطین و ضرورت حمایت از آن اشاره کرد. رفیق «پاتریک هیاریک» در بخشی از سخنرانی خود به فعالیت سه غرفه مرتبط با نشریات سازمان های اپوزیسیون ایران در دهکده جهانی اشاره کرد.

حضور صدها هزار نفر از جوانان و کارگران پاریسی تضمینی بود بر اینکه «فته د لا اومانیته» امسال مثل همیشه پرطراوت و پر جنب و جوش باشد. دهکده بین المللی که در آن غرفه های روزنامه های ارگان احزاب مترقی و کمونیست جهان استقرار داشت، سمبلی جوشان و پر رنگ از مبارزه برای نظم نوین، عادلانه و صلح آمیز بود. غرفه نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، در قلب فستیوال اومانیته، همسان سال های گذشته پذیرای صدها هموطن مقیم فرانسه و کشورهای همجوار، و هزاران شرکت کننده فستیوال بود.

طبق تخمین رسانه های گروهی فرانسه نزدیک به ۵۰۰/۰۰۰ تن در این گردهمایی که مهر و نشان پررنگ کمونیست های فرانسه و روزنامه آنان را بر پیشانی دارد، شرکت کردند. هزاران شرکت کننده از دیگر نقاط فرانسه و اروپا و اقصی نقاط جهان، به جوانان، سندیکالیست ها و کارگران شرکت کننده در فستیوال پیوستند تا از موسیقی، غذا، سینما، ورزش لذت ببرند و در بحث های متنوع سیاسی سازماندهی شده در برنامه فستیوال شرکت کنند.

تعداد عظیم شرکت کنندگان در فستیوال آشکارا پیش بینی های نیروهای راست در مورد افول جذابیت حزب کمونیست فرانسه (PCF) و روزنامه سرتاسری آن «اومانیته» را به شکست کشاند. در طول سه روز فستیوال کمونیست های فرانسه ده ها جلسه بحث در رابطه با عمده ترین مسایل جنبش کمونیستی در فرانسه، اروپا و جهان برگزار شد.

غرفه نامه مردم که امسال به مناسبت همزمانی فستیوال با بیست و نهمین سالگرد فاجعه ملی با پلاکارد بزرگی در بزرگداشت جانباختگان حزب توده ایران و جنبش مردمی در تابستان خونی ۱۳۶۸ و عکس های آنان تزئین شده بود، در طول سه روز لحظه ای نبود که از بازدیدکننده مملو نباشد. بخشی از غرفه به نمایش و ارائه کتاب ها و نشریات حزبی و ابتکارات تبلیغاتی سازمان های حزبی در خارج از کشور تخصیص داشت. ده ها فعال و هوادار حزبی بطور خستگی ناپذیری از مراجعه کنندگان با غذاهای ایرانی و چای و نوشیدنی پذیرائی می کردند و با حوصله به سؤال های آنان در رابطه با تحولات ایران و سیاست های حزب توده ایران پاسخ می دادند. بازدید هیئت های نمایندگی رهبری احزاب برادر از کشورهای هند، پرتغال، لوکزامبورگ، فرانسه، عراق و قبرس از غرفه نامه مردم و ملاقات و گفتگوهای آنان با مسئولان غرفه از لحظات بیادماندنی فعالیت رفقای حزب توده ایران در فستیوال اومانیته امسال بود. هیئتی متشکل از رفقای رهبری سازمان فدائی خلق ایران - اکثریت نیز از غرفه نامه مردم بازدید و با رفقای مسئول گفتگو کرد. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب در طول فستیوال از غرفه های تعدادی از نشریات ارگان احزاب برادر در دهکده بین

المللی بازدید کرد و جلسات پر اهمیت تبادل نظری با هیئت های نمایندگان احزاب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست چاد، حزب کار سوئیس، حزب کمونیست ایرلند، حزب کمونیست هند و همچنین تعدادی از اعضای کمونیست پارلمان اروپا داشت. در بعداز ظهر روز یکشنبه ۱۴ شهریور جمعیتی که توسط رسانه های جمعی ۶۰/۰۰۰ نفر تخمین زده شده بود، در گردهمایی اصلی فستیوال که در آن رفیق «ماری ژرژ بوفه»، رهبر حزب کمونیست فرانسه، خطاب به نیروهای چپ و جنبش سندیکائی پیام امید بخشی فرستاد، شرکت کردند. او در این سخنرانی از کارگران و بازنشستگان خواست که روز شنبه، ۶ مهرماه مصادف با بیست و هفتم سپتامبر، از مرکز فدراسیون کارفرمایان به طرف کاخ الیزه راه پیمائی بکنند. بخش های کلیدی سخنرانی رهبر حزب کمونیست فرانسه در همین شماره نامه مردم منتشر شده است.

«اومانیته؛ روزنامه ای که رزم ما را به پیش می برد، زبان سخنگو در بردارنده امید های ماست!»

چکیده ای از سخنرانی ماری ژرژ بوفه دبیر ملی حزب کمونیست فرانسه در جشن اومانیته

«چه زیبا ست جشن اومانیته، جشن توده ای، شاد و پر شکوه، رزم آور و پراکننده» - با چنین کلماتی است که رفیق «ماری ژرژ بوفه» در گردهمایی جشن اومانیته در روز ۲۴ شهریورماه سخنان خود را آغاز کرد. «ما از این جشن به آنهایی که رویای ملت در خواب فرو رفته ای در سر می پروراند پیامی روشن می فرستیم: ما برای آزاد زیستن و نیک زیستن بسیج شده ایم. و به آنهایی که رویای ملتی فرمان بردار می بینند، ما مردمی هم بسته و صلح طلب را در معرض دید میگذاریم. و به آنهایی که می خواهند با غارت تمام کره زمین ثروتمند شوند میگوئیم: بس است! دست نگه دارید کره زمین به شما تعلق ندارد!»

«آه اگر جشن وجود نمی داشت؛ آنگاه خانم پاریزوت (رئیس اتحادیه کارفرمایان) و آقای سرکوزی (رئیس جمهور فرانسه) به راحتی می توانستند به کار های شوم و مصیبت بار خود بپردازند. برای شما متأسفیم، خانم ها و آقایان!»

در اینجا خلق برای ورود به یک جنبش اجتماعی پر شکوه بسیج می شود، علیه سیاست شما به نبرد بر میخیزد و در اینجا برای جانشین شدن شما و ما فوق لیبرال های تان آماده میشوند و اگر شما روی یک «سکوت رادیوئی» (انحصار رسانه ها) حساب کنید برنده نخواهید شد زیرا دوستان اسلحه بدست و صاحبان «دم و دستگاه» شما آقای رئیس جمهور هنوز دست روی تمام رسانه ها نگذاشته اند.

برای آنکه صدای ما رسا باشد باید زنده بود. به شما توصیه میکنم، همگی در هفته هایی که میاید متعهد شویم که هزاران خواننده تازه برای روزنامه ژورس (ژورس بنیان گذار اومانیته) بی یابیم زیرا علیه لیبرال ها و توانگران صاحب مال و منال، علیه

ادامه سیاست مداران کنونی...

بدترین زمان را برای اعلام بازگشت به لیبرالیسم اقتصادی انتخاب کرده است و همه تلاش خود را برای کاهش مالیات‌ها و هزینه‌های دولت به کار گرفته است. البته مسئله اینجا پیشنهادهای لیبرال دموکرات‌ها برای انتقال بار مالیات از دوش کم‌درآمدها به دوش پُردرآمدها نیست، بلکه هدف طرح تازه، جبران کاهش مالیات‌ها با کاهش کلی هزینه‌های عمومی دولت است. در زمانی که کشور در حال فرو رفتن در رکود اقتصادی است، کاهش هزینه‌های مصرفی دولت باید آخرین کاری باشد که دولت به آن دست می‌یازد. شالوده‌ساز جدید، اعتقاد نظری شخصی نیک کنگ مینی بر آن است که زمان دخالت دولت در امور اقتصادی گذشته است، و در جریان بحرانی که اینک نوشداروهای قلابی نولیبرالی گذشته را به زباله‌دان تاریخ می‌ریزد، این دقیقاً متضاد اقدامی است که باید صورت گیرد. این سیاست پوششی است سیاسی برای اشتیاق نیروهای راست و محافظه کار به کوچک کردن دولت و افزایش بنیادهای خیریه برای کمک به فقرا. در مورد تغییر جهت گیری اخیر توری‌ها به سوی سوسیال لیبرالیسم، و شور و شوق تازه آنها نسبت به برابری و انصاف و برنامه‌ای که خودشان آن را "مترقی" می‌خوانند، سر و صدای زیادی به پا شد. بی تردید این سخن پرآکنی‌ها و شعارهای توخالی آنها فاصله زیادی با شیوه خشن مواجهه دوران تاجر دارد، حتی اگر چه همان طور که دیوید مارکند David Marquand کهنه سرباز سوسیال دموکراسی گفت، واژه "مترقی" از معنای واقعی آن به کل تهی شده باشد.

اما وقتی صحبت از گزینه‌های اساسی اقتصادی و اجتماعی در میان است، همه نشانه‌ها حاکی از آنند که طرح‌های حزب محافظه کار در مورد امتیاز دادن به شرکت‌های بزرگ، مقررات زدایی، خصوصی سازی خدمات اجتماعی و کاهش مالیات ثروتمندان، دقیقاً دنباله همان برنامه‌هایی است که از اینان از اسلاف محافظه کارشان و "تونی بلر" به ارث برده‌اند. هنوز چیزی نگذشته، "جورج اوزبورن" George Osborne (سخنگوی حزب محافظه کار) از تعهدش در اجرای طرح‌های حزب کارگر در مورد هزینه‌های عمومی دولت سر باز زده است، و این در حالی است که آقای کامرون، رهبر حزب محافظه کار اظهار داشته است که توزیع ثروت و درآمد "نگرشی است که دوره‌اش به سر آمده است".

اما این برنامه دقیقاً همان الگویی است که امروز موجب فروریزی مالی شده است. در نتیجه، آن عده از رهبران حزب محافظه کار - با آن پیوندهای نزدیکی که با مراکز مالی انگلیس و منافع شرکت‌های بزرگ دارند - که انتظار می‌رود در انتخابات سراسری بعدی پیروز شوند، حتی از "گوردون براون" و وزیر اقتصاد و دارایی بی‌نوایش (الیستر دارلینگ)، در مورد بحرانی که امور مالی و اقتصادی کشور را در سطحی گسترده فرا گرفته است، و این که در این مورد چه باید کرد، حرف کمتری برای گفتن دارند. "جورج اوزبورن" هم به غیر از این که خواهان حفاظت بهتر سپرده‌های بانکی باشد، انگار که کاملاً از مرحله پرت است. همه اینها نشان دهنده شکست اسفبار سیاست‌های بنیادی گذشته است. اما از سوی دیگر، این فرصتی است طلایی برای آنانی که آماده ارائه برنامه‌ای جدید برای در هم شکستن قداست بازار و رو در رویی با واقعیت زمان باشند؛ اینکه فقط مداخله و نظارت و تنظیم قاطع مقررات از سوی دولت است که می‌تواند سرآغازی برای حل و فصل بحران اقتصادی - و محیط زیستی - باشد که با آن رو به رو هستیم. هر سیاستمداری که خواستار اترناتیو مردمی‌ای است، باید از این نقطه شروع کند.

ادامه نامه مردم در فستیوال ...

دیوانگان جنگ طلب، علیه سکون و سقوط اندیشه، اومانیت پاد زهری نیکوست. و در این لحظه برای مقابله با آنان که خود را سروران جهان می‌پندارند به نیرو و اندیشه نیاز است. روسای بانک‌های مرکزی، سرکردگان سازمان جهانی تجارت و با صدر نشینان اتحادیه اروپا در بروکسل و آن ژنرال‌های ناتو و یا اربابان چندملیتی‌ها را در نظر بگیرید و به آنها دوستان و حامیانشان را در سیاست و سلاطین رسانه‌های مسمومشان را بیافزایید. آنگاه ببینید چه ترکیبی میشود! این جمع دوستان - زن و مرد - شان - می‌خواهند همه چیز را تصاحب کنند و مارا نیز. و اینان چقدر هم به خود مطمئن هستند.

ممکن است پاره‌ای در برابر آنانی که همچنان به ستایش از «بازار آزاد»، «حق مداخله در امور دیگران» و «رقابت به اصطلاح آزاد» ادامه می‌دهند، فریب بخورند. چنین کسانی نمی‌خواهد جنگ و کشته‌هایش را ببینند، فقر عظیم را، زنان و مردان استثمار شده، از کار بیکاران، نقل مکان داده شده‌ها و از سرزمین خود رانده شدگان و مورد تجاوز قرار گرفتگان را ببینند. و این در حالی است که حتی رئیس بانک جهانی در آخرین گزارش خود می‌نویسد: «جهان، شمار بسیار بالایی از فقیران را به حساب می‌آورد که نمیشد تصور آنرا کرد.»

حقیقت این است که سیستم سرمایه داری برای پاسخ گویی به معضلات قرن ما ناتوان است. آری این آنانند که مسئول همه مصائب هستند: مسئول بحران‌های غذایی، محیط زیست، مسائل اجتماعی، اقتصادی. این آنانند مسئول بی نظمی جهانی و جنگ‌های پایان ناپذیر. ما هزار بار حق داریم به این اربابان جهان معترض باشیم. در میدان ویرانه سرای سرمایه داری، ملت‌ها، که میخواهند که آینده‌شان را به دست گیرند حق دارند. و این امریست فوری. اما اندیشه‌های دگر سازی این جهان را ما در دستور العمل‌های گذشته نمی‌یابیم.

جهانی شدن واقعیت دارد و بشر هر روز بیشتر نسبت به سرنوشت خویش آگاهی می‌یابد. بدور از آن که ما را بترسانند، این تحول شاید یک اقبال باشد. خطراتی باشد برای رهائی بشر از بوغ سرمایه داری. و این نیست جز این که ما پاسخ‌ها و بسج‌های نوئی راعرض کنیم که سر انجام به اندیشه‌هایی برای یک بسط و گسترش پر دوام اجتماعی و اکولوژیک در سراسر جهان هستی می‌بخشد. این امر به خلق‌ها قدرت آنرا میدهد که پول در جایی به کار برده شود که به زندگی کیفیت می‌بخشد و بسبب کشف و پیدایش برداشت تازه‌ای از کار و دسترسی مداوم به آگاهی میشود. سبب زندگی کردن همراه با احترام گذاشتن به تساوی واقعی حقوق هر زن و مرد میگردد و این عبارت است از پیشروی به سوی یک مشارکت و تقسیم قدرت: یعنی یک دموکراسی نوین و کار گذاری واقعی برای سازمان ملل و این همچنین یعنی از نو بنیان نهادن اروپا با مشارکت همه کسانی که آرزوی یک اروپای صلح و پیشرفت‌های اجتماعی و آرزوی مشارکت واقعی در قدرت را دارند.

این پاسخ‌ها همچنین پیدایش عرصه‌های تازه رابطه بین ملت‌ها ست این، نبردی برای مردم فلسطین است، پشتیبانی از دوستان ونزوئلای، کوبایی و امروز بولیویایی است، که توسط الیگارشی نژاد پرستانه‌ایکه توسط بوش حمایت میشوند، مورد تهدید هستند. و من در اینجا می‌گویم که ما نخواهیم گذاشت که دیکتاتور هامجددادر امریکای لاتین مستقر شوند. همبستگی و باز هم همبستگی با دمکرات‌های امریکای لاتین. و این همچنین بر گرداندن ورق مداخله نظامی در عراق و در افغانستان است. و این باز گشائی راه دیگری روی ترقی این کشورها و دموکراتیزه کردن آن‌هاست. و این پاسخ‌ها حرکتی است که ما برای رونق تمام بی عدالتی‌ها، در همه جای، روی کره زمین، برای درخشیدن همواره و همکاری و همبستگی بیشتر، توقع داریم. زیرا برای کمونیست‌ها که برای جهانی با نابازی و مشارکت همگان می‌رزمند، این افق تازه ایست که به روی امید انقلابی‌شان گشوده میشود. و چه تشویقی است برای رزمیدن با سیاست ما فوق لیبرال در فرانسه و در اروپا!

سخنران آنگاه به مسائل داخلی فرانسه پرداخت و به سیاست‌های نو لیبرالی رئیس جمهور سرکوزی حمله کرد و گفت: «من میخواهم کلمه‌ای را بیان کنم که از نسل‌های دستمزد بگیران حکایت دارد و مبارزات طبقاتی و دست آوردهای عظیم اجتماعی را به یاد می‌آورد. من به شما در باره افزایش دستمزد‌ها، راجع به بازنشستگان، بهبود قرار داد کار و بهای متناسب برای کار سخن می‌گویم.»

در جای دیگر: «دوستان رئیس جمهور هر صبح برای ما تکرار میکنند که سرکوزی «انتخاب» شده است، پس مخالفان باید تا انتخابات بعدی خفقان بگیرند. بسیار خوب اما ما نمیخواهیم تا آن موقع منتظر بمانیم، هم چنان که آنان را در «پرونده اطلاعات خصوصی افراد» به عقب نشینی واداشتیم. ما نخواهیم گذاشت که سرکوزی ماهی را در آب غرق کند این پرونده اطلاعاتی باید کلاً پس گرفته شود ما به یک بسیج اجتماعی بزرگ احتیاج داریم. بدون چنین بسیجی هیچ چیز امکان پذیر نیست.»

رفیق ماری ژرژ بوفه آنگاه به وضعیت چپ در فرانسه پرداخت و موقعیت حزب کمونیست در فرانسه را تشریح کرد و در باره آینده آن از جمله گفت: «در انقلاب کامل برای حیات بخشیدن به تمام امید‌های انقلابی‌مان در عمل و در سازمان دهی به پیش! و این کار همین امروز است که ما حزب را طوری سازمان دهی کنیم که بتواند از عهده این کار برآید. و این انقلاب کار شور انگیزی خواهد بود برای ترسیم فوری برنامه‌ای برای فرانسه و برای سراسر اروپا و در این کار ما به حزبی که به شما گوش فرا دهد و کلاً به جست و جوی راه حل‌های جانشین بر آید، موفق خواهد شد. ما شما را فرا میخوانیم به حزب کمونیست بیونیدید. ما می‌خواهیم حزبی باشیم که ملت به آن احتیاج دارد و نیروئی را بسازیم که فردا پیروزی‌های بزرگی را اعلام خواهد داشت.»

و افزایش نرخ بیکاری اشاره کرد. به گزارش رسانه‌ها، تنها در انگلستان، میزان بیکاری تا سال میلادی آتی از مرز ۲ میلیون آن خواهد گذشت، که گفته می‌شود میزان واقعی از این حد هم بیشتر باشد. فقط در بخش مالی بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر بیکار شده‌اند و می‌شوند. اما سؤالی که مطرح است آن است که این بحران و رکود اقتصادی تا چقدر وخیم‌تر خواهد شد و تا کی ادامه خواهد داشت.

آنچه قطعی به نظر می‌رسد این است که سلطه الگوی بازار آزاد سرمایه‌داری به سرعت رو به افول دارد. وقتی که واعظان اعظم واشنگتن مجبور می‌شوند که دست به بزرگترین "ملی کردن" بزنند که تا کنون فقط در کشورهای سوسیالیستی دیده شده بود، زمانی که دولت برای سر پا نگاه داشتن سیستم، مجبور به مداخله در مقیاسی گسترده و بی‌سابقه در بازارهایی می‌شود که قرار بود خود-تنظیم کننده باشند، روشن است که نظم نولیبرالی در حال فروپاشی است.

البته طبیعی است که نظریه‌پردازان و مدافعان سرسخت بازار آزاد به موعظه در مورد آیین کهنه ادامه خواهند داد، همان طور که در شماری از رسانه‌های غرب از جمله مجله تایمز دیده شد. اما البته این جزم‌اندیشی غیرواقع‌بینانه چیزی نیست که نامزدهای انتخاباتی بتوانند با سربلندی از آن یاد کنند، و این بحران هم چیزی نیست که آنها بتوانند به سادگی از کنار آن بگذرند! جان مک‌کین، نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از حزب جمهوری‌خواه، مجبور شد این هفته به "حرص و آز و فساد بیش از حد" وال استریت (اشاره به مؤسسات مالی غول‌پیکر آمریکا) حمله کند، و از سوی دیگر هم باراک اوباما، نامزد حزب دموکرات، فلسفه اقتصادی مک‌کین مبنی بر مقررات‌زدایی را مسئول این وضع دانست و خواستار اصلاحات گسترده در زمینه‌های مختلف شد.

گرچه ضرورت ناگزیر انجام اصلاحات گسترده در رابطه با بازار مالی و رد سیاست‌های نولیبرالیستی در اروپا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری هم اکنون از سوی برخی از سرشناس‌ترین اقتصاددانان جهان قبول شده است. ولیکن در واقع، در میان همه احزاب سیاسی عمده اروپا، ناتوانی در مقابله با بحران اقتصادی وسیع کنونی و حرکت به سوی تغییر سیاست‌ها دیده می‌شود. سیاستمداران انگلیسی هنوز در رویای سال‌های ۱۹۹۰ و روزهای جلال و جبروت نولیبرالیسم به سر می‌برند و کماکان به مرده‌ریگ اقتصادی تاج‌ریسم چسبیده‌اند، و نمی‌توانند از مقررات‌زدایی به مداخله و نظارت در امور اقتصادی تغییر سمت‌گیری بدهند؛ انگار که هیچ رکودی رخ نداده است.

گرچه این مشهود است که در صورت اجرای چنین اقدامات مناسب زمان کنونی (داخلت و نظارت دولتی)، دولت کمترین زیان و بیشترین سود را خواهد برد. اما انگار که محافظه‌کاری فلج‌کننده سران سیاسی اروپا، محافظت از منافع بخش خصوصی و امتیازهای شرکت‌های بزرگ، و ایدئولوژی بازار نو لیبرالیستی، آنان را در پیله خودش نگه داشته است. روز ۲۶ شهریور (۱۶ سپتامبر) وقتی الیستر دارلینگ Alistair Darling (وزیر اقتصاد و دارایی از حزب کارگر) اظهار داشت که "بی‌نهایت نگران" سوءاستفاده سوداگران از بازار است، نخستین پرسشی که به ذهن رسید آن بود که او برای حل این مسئله چه طرحی دارد، و چرا او و نخست وزیر انگلستان بر "مقررات خفیف" اصرار داشتند که خود عامل اصلی در ایجاد این چرخه ویرانگر بوده است.

لیبرال دموکرات‌ها از هشدارهای زودهنگام وینس کیبل Vince Cable، قائم مقام صدر حزب لیبرال دموکرات و قهرمان نوظهور آن، درباره بحران بدهی و لزوم ملی کردن بانک "نورترین راک" Northern Rock می‌توانستند بهره‌برداری خوبی بکنند. اما به عوض ادامه سنت "کینز" Keynes و "لوید جورج" Lloyd George (مبنی بر مداخله و نظارت دولت در مسائل اقتصادی و تقویت بخش دولتی در کنار بخش خصوصی)،

سیاستمداران کنونی توان مقابله با بحرانی در این مقیاس را ندارند

فروریزی سیستم‌های مالی سرمایه‌داری نشانه پایان حیات الگوی بازار آزاد است

بحران همه جانبه ای جهان سرمایه‌داری را فرا گرفته است. هر روز بانک بزرگ دیگری به لیست شرکت ورشکسته می‌پیوندد و یا توسط موسسه مالی بزرگ تری بلعیده می‌شود. دولت آمریکا برای نجات سیستم مالی لوزان کشور به اقدام بی سابقه پیشنهاد تزریق ۷۰۰ میلیارد دلار به بازار دست زده است. برخی از اقتصاددانان معروف جهان از ضروری بودن خاتمه سیاست‌های نولیبرالی و سیستمی که سرمایه بدون هیچ مرز و کنترلی عمل می‌کند، سخن می‌گویند. در مقاله زیر تیموس میلن (Seamus Milne)، صاحب نظر اقتصادی و روزنامه نگار ترقی خواه، بر پایه تجربه احزاب اساسی انگلستان، در رابطه با عدم توان احزاب و نیروهای سیاسی عمده حاکم در اروپا، در رویارویی با چالش عظیم کنونی سخن می‌گوید.

امروز دیگر در این که نظام مالی دنیای سرمایه‌داری در بحرانی گسترده فرو رفته است، تردیدی وجود ندارد. رخدادهای چند روز گذشته ثابت کرده است که امروز ما روزهایی را می‌گذرانیم که پس از زمان فروپاشی "وال استریت" در سال ۱۹۲۹ (آغازگر رکود اقتصادی بزرگ دهه ۳۰ میلادی) بزرگترین فروریزی مالی محسوب می‌شود. دولتی که بزرگترین مدعی و مدافع نظام بازار آزاد در اردوگاه سرمایه‌داری (اقتصاد آزاد) است، برای دومین بار، آن هم فقط در طول یک هفته، مجبور شد به داد یکی از ارکان اصلی نظام مالی آمریکا برسد و آن را "ملی" کند. این بار، دولت آمریکا، به خرج مالیات دهندگان آمریکایی، ناجی بزرگترین شرکت بیمه دنیا، یعنی AIG شد تا شاید از سرایت فروپاشی به سرتاسر عرصه اقتصاد آمریکا جلوگیری کند. این اقدام در فاصله کوتاهی پس از "ملی کردن" دو شرکت غول‌پیکر سهامی عام عرضه‌کننده و بیمه‌کننده وام‌های مسکونی، یعنی فردی مک (Freddie Mac) و فنی می (Fannie Mae) که ضامن مالی آنها دولت آمریکاست، ورشکستگی چهارمین بانک بزرگ سرمایه‌گذاری آمریکا، یعنی لیمن برادرز (Lehman Brothers) در پی بدهکاری‌های عظیم آن از یک سو و حقوق و مزایای کلان مدیران ارشد آن از سوی دیگر، و بالاخره خرید شرکت مالی غول‌پیکر مریل لینچ (Merrill Lynch) توسط "بانک آمریکا" رخ داد. تأثیر این رویدادها در کشورهای دیگر، از جمله در انگلستان نیز مشاهده شد، که در آن ارزش سهام HBOS، بزرگترین گروه مالی و بیمه انگلستان، در کمتر از یک هفته تقریباً ۷۰ درصد سقوط کرد.

تأثیر این رویدادها بر امور اقتصادی واقعی مؤثر بر زندگی روزانه مردم هر روز شدیدتر می‌شود، که از آن جمله می‌توان به کاهش تولید

ادامه در صفحه ۱۱

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Number No. 800
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 27th September 2008

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse